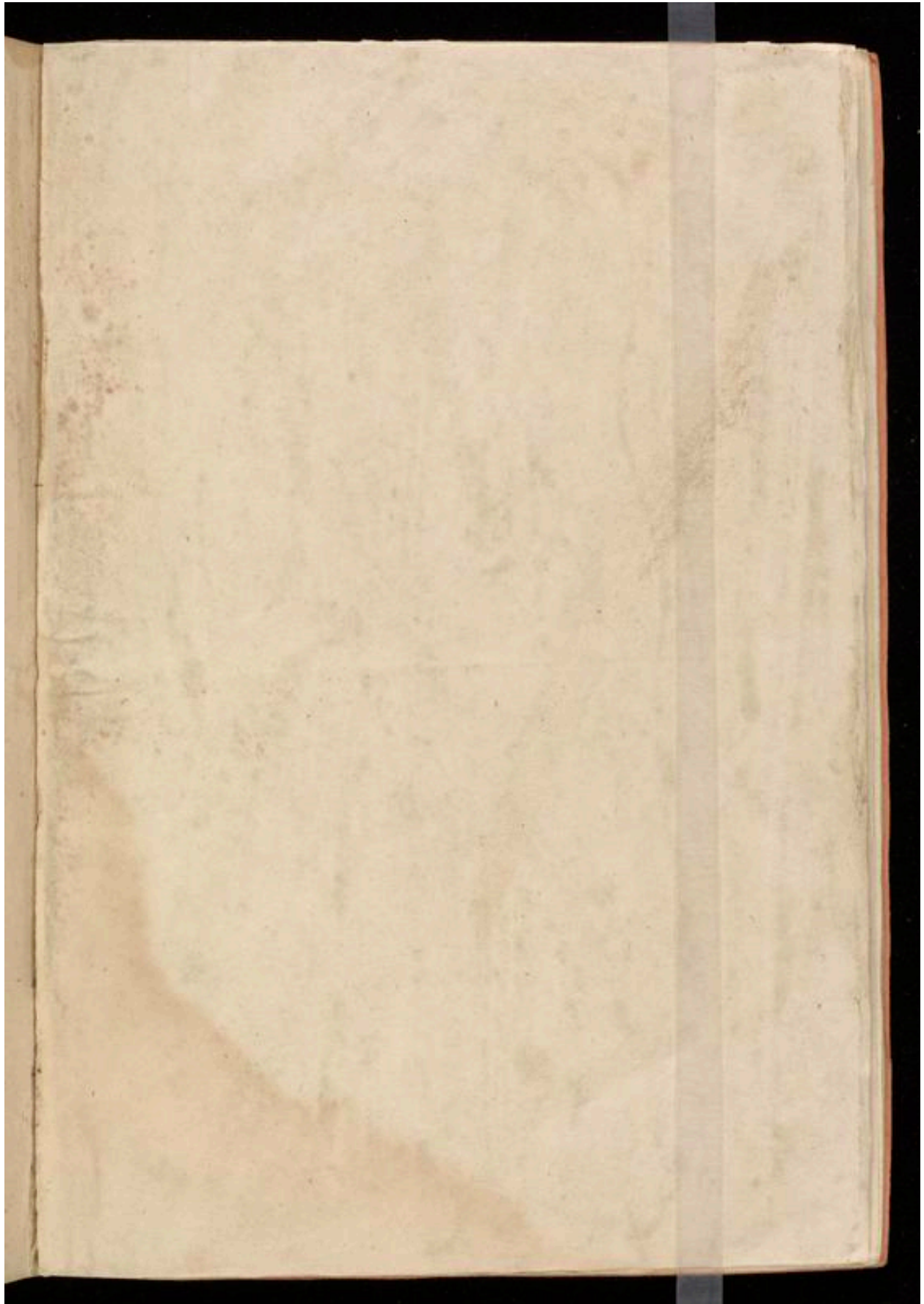


محرر و ناشر: فضل احمد افغان
۳۵۰

يادداشت يك مسافر

Ketabton.com

۱۳۳۸
برلین - ۱۹۲۹

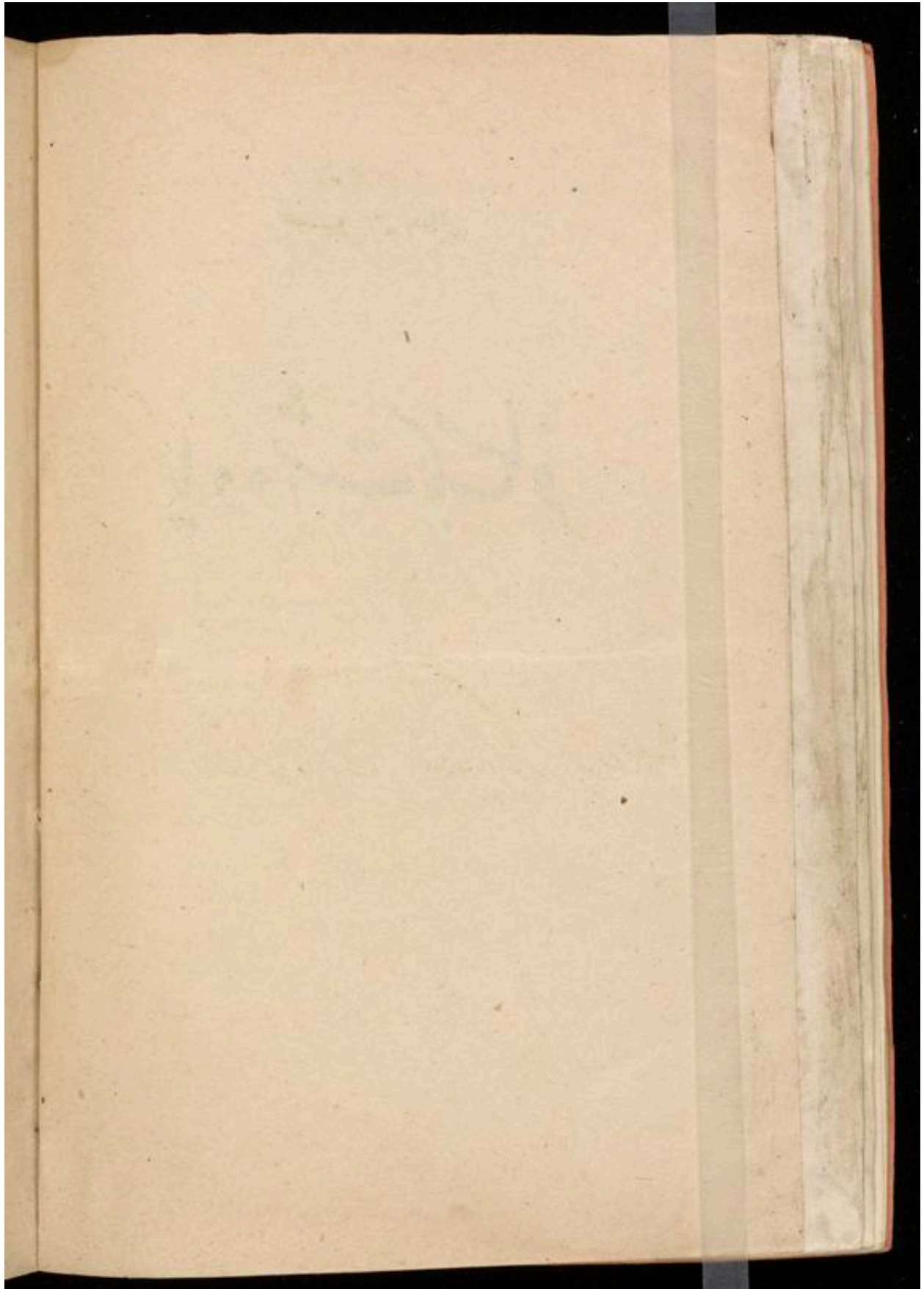


ناشر و محرر :
فضل احمد افغان

يادداشت يك مسافر

در باره سرگذشت مردم تاجيك ، انقلاب اوكتابر ، و جمهوريت ياكوتستان

مجله دانشنامه
شماره ۱۳۱۱



یک چند سخن از طرف نویسنده

سی سال پیش از این من از مملکت خود افغانستان
 بخاک تورستان روی هجرت کردم سالهای دراز در شهرهای
 بخارا سمرقند خوقند و حصار شادمان زندگانی کردم.
 در این مدت تبدلات عجیبی در این مملکت روی داد باشندگان
 این سرزمین بسیار روزهای تاریخی عبرت انگیز را از سر خود گذرانیدند
 اگر بادیۀ دقت و عبرت در سرگذشت این مردم نگه کنیم چیزهای
 که آموختن و عبرت گرفتن ممکن است در آن بسیار است.
 معلوم است که طرز زندگانی، محیط اجتماعی و وطن من حتی ایران
 و هندوستان هم با حالت پیش از انقلاب این مردم خیلی
 مشابهت و یکپارگی دارد.
 معلوم است که گروهی از باشندگان مردم ایران افغانستان
 و هندوستان هم در راه آزادی و ترقی وطن خود کار میکنند

۴
 راه های جویند، در مانع ها و مشکل های رودر رو میابند که مردم تورکستان
 این همه را از سر خود گذرانیده اند، برای این با آن احوال از سر
 گذشت تاریخی، خاطره های تاریخی شماریده میشود.

معلوم است که، مردم ایران افغانستان و هندوستان
 از زندگی مملکت شورایی آنچه راست و حقیقت است کمتر شنیده
 هر چه شنیده اند خوانده اند از زبان اهل غرض شنیده اند
 از قلم اهل غرض خوانده اند.

من لازم دانستم که، برادران هموطن و هم زبان خود را،
 از حقیقت حال و گذارش زندگانی مردم این مملکت خالصانه
 آگاهی و هم، آنچه دیده ام و از احوال این مملکت آنچه دانستم
 با زبان ساده و روان بآنها برسانم.

در این رساله سرگذشت مردم جمهوریت شورائی تاجیکستان را
 خواهم نوشت؛ تصویر نمودن سرگذشت تاجیکان را از آن جهت
 اختیار نمودم که، این جمهوریت بوطن من نزدیکتر است مردم
 تاجیک با ما هم نژاد و هم زبان اند، آشنائی و شناسائی

ما با تاجیکان تاجیکستان چون آشنائی دو برادری است؛
که دیرگاه از یکدیگر دور افتاده، باز یکدیگر را یافته اند
آب اگر صد پاره گردد باز با هم آشناست.

جمهوریت هم زبان ما تاجیکستان با دولت های افغانستان
و خطای همسایه و هم حدود است، کوهستان به خشان چکمن
با اندک فاصله بخاک هند میرسد. قسم جنوبی تاجیکستان که
ولایت های حصارشادمان، قبادیان، قورغان تپه، کولاب،
قرآنگین را شامل است، در زمان گذشته حصه های جنوب شرق
امارت بخارا را تشکیل مینمود

قسم شمالی تاجیکستان عبارت است از ولایت های خجند، اورات
سجکیت، که جز تاجیکستان روسی و تابع حکومت امپراطوری روس
بود.

مردم جمهوریت تاجیکستان دوره های حکومت امارت بخارا و
حاکمیت امپراطوری روس را از سر خود گذرانیده اند؛ در این سر
زمین مبارزه های خونین انقلاب و عکس انقلاب دیرگاه دوام نموده

این مردم در راه انقلاب و آزادی خود مبارزه ها کردند ؛
 سختیها کشیدند ، آخر بمطهرت رسیدند حاکمیت شورای
 رنجبری خود را برپا کردند .

رنجبران تاجیکستان در مدت اندک به کامیابی های خیلی
 بزرگ اقتصادی مدنی و سیاسی رسیدند در مدت پنج سال
 آخری زندگی جمهوری تاجیکستان آنقدر تغییر یافته است
 که بدون انقلاب این مرحله را به صد سال طی کردن و گذشتن
 شان ممکن نبود .

برای عبرت و آگاهی خوانندگان دوره های سرگذشت
 مردم تاجیکستان را بقسم های علیحدہ تقسیم مینمایم و هر یک
 را جداگانه بطریق اختصار عرض میکنیم .

اصول حاکمیت امیران بخارا و زندگانی رعیت در آن زمان

از یک میلیون نفوس جمهوریت تاجیکستان قریب شش
صد هزار کس در زمان گذشته در زیر حکومت امیران بخارا
زندگانی میکردند.

بواسطه حاکم هائی ولایت ها، قاضی ها، رئیس ها، اکتاها
میر شهاب، امیر حاکمیت خود را اجرا مینمود؛ بواسطه این تشکیلات
حکومتی، از حاصل پنج دسوی مردم باسهم و رسم خراج املاک،
زکات و غیره هر چیزی که گرفتن ممکن بود میگرفت، در راه آبادی
ترقی اقتصادی و مدنی این سرزمین از آن مدخل، هیچ یک خرجی
نمیکرد.

قسم بسیار زمین های کشت مملکت را «املاک»، «مملکه سلطانی»
نام نهاده ملک امیر می شماریدند. اگر زمین آبیاری شده باشد
پنج یک، اگر کشت للمی با آب باران کشته شده باشد
ده یک حاصل راجع خزینة امیر قرار میدادند. اما این قاعده

بسیج یک دوده یک بنام بود . و حقیقت نصف دگاها بیش از
نصف حاصل دهقان رنجبر را املاکدار با مأمورهای امیر میگفتند
حاصل کشت هر یک دهقان را جداگانه تخمین میکردند هر جا
که ده من حاصل است بست من و سی من تخمین میکردند
و از روی آن تخمین و قرار ناحق حصه خراج را می طلبیدند
و میگرفتند .

بعضا خراج املاک چند خانواده دهقان امیر یا حاکم ولایت یکی
از منصب داران یا ملا یا شیخ می بخشید و حواله مینمود که خود
او بی واسطه استفاده نماید نام آن بخشش را . نتخواه
میگفتند صاحب تنخواه هر قدر که میتواند از حاصل دهقان
زیاده تر میگرفت دهقان و عائله او را چون غلام و کنیز کار میبرد
شکایت و دادخواهی دهقان را کسی نمیپرسید .

در جمع آوری خراج . املاک و زکات و دیگر مالیات
غیر از مأمورهای رسمی امیر زمینداران و مال چار با داران کلان
مردم دولتمند صاحب نفوذ همراهی میکردند هر کس که ناتوان تر است

از او بسیار تر میگردند . هر کس که توانا و صاحب اعتبار است
از او کمتر میگردند .

در نتیجه این اصول - الیات فقر و فاقه رعیت سال از سال
زیاده تر و سخت تر میگرددید برای ادا نمودن مالیات طاقت
فرسافروختن زمین با خانه با حتی زن و فرزند رعیت فقیر چون یک
امر حادی شماریده میشد . هیچ کس در این باره تعجب نمیکرد .

از سبب گرانی خراج و تنگی زندگانی بسیار دهقانها
مجبور میگرددیدند که از دولتمندان شهر و دهه قرض بگیرند تنزل بسیار
دهند . در اثر گرانی خراج و تنزل دادن بسیار ناچار زمین با
خانه های خود را بصاحب دولتان شهر و دهه میفروختند . باین
راه بهترین زمین های مملکت بدست دولتمندان شهر و دهه جمع
هیگردید و شمار دهقان بی زمین سال از سال میافزود .

قاضیها هیچ یک مرافعه را بدون گرفتن رشوت با خرنمیرسانیدند
میزان حق و عدالت اندازه رشوت بود هر کس که بسیار تر رشوت
داد ، حکم بجانب او قرار می یافت .

هرگاه دو کس یکی دولتمند دیگر فقیری صاحب اعتبار دیگر رعیت
بی اعتبار در نزد قاضی میآمدند حکم در فایده دولتمند صاحب اعتبار
قرار می یافت عرض و داد فقیر بی اعتبار بجای نمی رسید.
میر شب ها که گویا کفیل و مقصدی امنیت و انتظام مملکت بودند
همه ویرانی و فساد را را هر بودند.

جوانهای اموال فاحشه های مشهور دزد های نامی را چون جز
تشکیلات اداره خود نگه میداشتند از آنها استفاده میکرد
قمار خانه و در تحت حمایت میر شب ها بودند.

فاحشه ها و جوانهای اموال را با شهادت نامه های مخصوص در مجلس
های عیش و عشرت میفرستادند با اندازه حسن و جمال آنها از
صاحب بزم مبلغ معینی میگرفتند.

جایگاهی که برای ایستادن نائب های میر شب ها تأسیس
یافته بود « پای طوق » یا جای با امنیت قمار باز ها بود، در « پای طوق »
ها شبها در روز قمار می باختند؛ از برد ها بمیر شب حصه معینی
میدادند. دزد های نامی شهر با و دمه ها نیز در حمایت میر شبها بود.

از کار آنها میرشب با حصه می گرفتند . هرگاه دزد ، خانه را غارت
کند صاحب خانه بمیرشب مراجعت نماید ، میرشب از قریبان
و خویشاوندان صاحب خانه چندی را به زدی متهم میکرد ، بچس
میگرفت آخر صاحب خانه مبلغ بسیاری بمیرشب میداد آن
بیگنا بان را از چنجه میرشب خلاص میکرد ، دزدان حقیقی با آزاد
به کار خود دوام مینمودند .

حاکم های ولایتها هر سال یک بار حساب ولایت را بهیر
تقدیم میکردند چیزی که وابسته به زندگانی مردم ولایت است
از حاکمان هیچ نمی پرسیدند .

ترقی خواهی و مقامی درستی راه با تعمم معارف تندرستی
عامه این همه جمله بایی است که در دربار امیر کسی نمی پرسید ؛
کسی نمی شنید . حساب رسمی حاکم های ولایتها تنها از یک
مسئله عبارت بود . « حاکم ولایت ، از درآمد سالانه ولایت
بامیر چه مبلغ و چه قدر پول آورده است » .

هر مبلغی که حاکم ولایت تقدیم مینماید ، باید از آن مبلغی که حاکم

سابق چون درآمد سالانه ولایت با میر داده بود بیشتر باشد
کمی حاصل خشک سالی بی آب مادن کشت با در نظر اعتبار
گرفته نمی شد.

هیچ یک از مأمورهای حکومت میر از خزینه همیشه معاش و
ماهیانہ نمی گرفتند. هر که ام درآمد خود را از رعیت از فقرا
می ستانیدند. هر یک از مأمورهای که به منصبی میرسیدند مثلاً
حاکم با. املکارها. قاضیها. رئیس با. میرش با. مفتیها با
تخف با تقدیم میکردند. هر یک با نذاز منصب خود با میر مبلغی میداد
این همه حکام و مأمورین دولت و علماء کرام نوبت بنوبت دخترها
پسرهای امر خود را چون تخف غلامی با میر تقدیم مینمودند حتی از
تقدیم نمودن زنهای خود نیز با تمییز کردند.

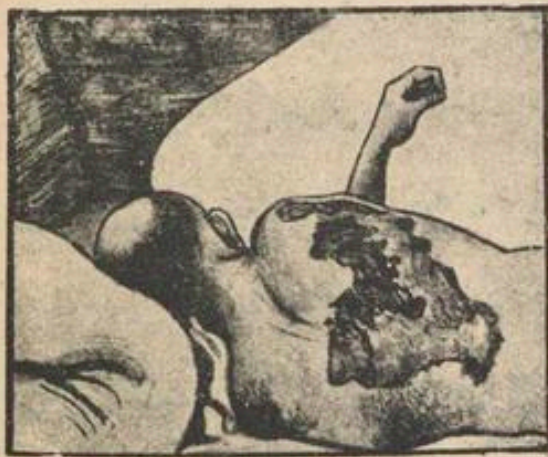
برای تعیین نمودن حاکم با. قاضیها. مفتیها و دیگر مأمورهای دولتی
علم و لیاقت آنها در نظر اعتبار گرفته نمی شد. تقدیم نمودن دختر
و پسرهای صاحب جمال از بزرگترین لیاقت با محسوب بود. هر که
در این کار پیش قدم بود. منصب و درجه بلند تر با صاحب بود.

بسیاری از علمای دین و مأمورین دولت با همین راه به رجب
های بلند میرسیدند.

برای بمنصب های بلند رسیدن مأموران دولت در بسیار
جایها زنهای دختر، پسرهای رعیت را بزور می گرفتند، با تقدیم
میکردند، نه امیر نه حاکمان ولایت با قدر ظلم و بیاد مأموران
دولت شکایت رعیت را نمی شنیدند و ادخواهان را اغوا کرد
فساد پسته شماریده با ضرب و کشتن از دربار خود میرانند.

علمای دین هم با حکومت داران امیر جز یک بدن بودند. و
سایه حمایت امیر موقع اقتصادی علمای دین، نیکو تأمین میگردد.
بسیار زمین های زراعت، بازارها، دوکان ها، سرای ها، حمامها
ملک اوقاف بود. آنهمه درآمد ب علمای دین میرسید. قسم مهم
حاصل زمین های اوقاف را بایری مأموران امیر علمای دین میگرفتند.
امیر و مأمورانش به راه وسیله داخل علماء را میافزودند.
خیلی منصب های پر درآمد بزمرة علماء تخصیص گردیده بود. رشته
همه منصب و تعیین با دست امیر تمرکز یافته بود، حتی تعیین کردن

مؤذنها، امامهای محله ها، محوره خوان های سر قبرها وابسته برضای
 امیر بود. از علای دین هر یک که رضا و خوشنودی امیر را دریا به منصب
 پر درآمد نصیب او بود. قاضیگی شهر بخارا که سالانه پنج صد هزار روبل
 طلا درآمد داشت، قاضیگی چارجوی و قرشی که هر یک صد هزار روبل
 سالانه درآمد داشت. از جمله منصب هایی بود که بزمه علما تخصیص گردیده
 علم خود را شریک دولت و خزینه امیر میدانستند، از درآمد امیر بهره مند میگرفتند
 بنابراین همه کار و فعال امیر و اموران را موافق شریعت و فرموده خدا و رسول میگفتند هر
 نمونه از وحشایت های امیر بخارا



یکی از آنهایی که بمقابل استبداد امیر قیام نمودند و جلادان امیر او را بهین
 حال رسانیدند و از جان شیرینش جدا کردند.

بخلاف امیر و حکومت او چیزی گوید او را بدین و کافر می شماریدند.
حکومت امیر زمره علما را چون یک تشکیلات منظم تبلیغات
تشویقات در بین عامه مردم استفاده مینمود.

در آن زمان فاسق ترین مردم علمای دین بودند؛ مدرسه ها جای
شراب خوری، جوان بازی، فاحشه بازی بود. ملا بچه های فقیر
و ناتوان که از سبب های حقیقی منصب رسیدن بی خبر بودند
و از آن رذالت های دربارین دور بودند، هر قدر که میخواندند
میدانستند بجای نمر رسیدن و منصبی را صاحب نمیکردیدند.
ناچار خواندن را ترک میکردند.

آخر کار بجای رسیدن که اعتبار داشت و صاحب علم بودن
از میان رفت؛ بسیار مفتی ها، قاضیها، حاکمهای ولایت با تمام
بی سواد بودند.

در نتیجه این اساس و اصول حکومت داری بدست نامورهای
دولتی و علمای دین مبلغ های کلان جمع شد. بهترین زمینها،
باغها، مراهای با، دوکانه های مملکت ملک امرا و علما بود، این

دو زمره دولتمند ترین صنف مملکت بودند .

بعد از جنگ آخری در ۱۲۸۵ هجری در بین حکومت امپراطوری روس
و امیر مظفر و تابع شدن بخارا بروسیه در رسیدن راه آهن در بخارا
کار تجارت بین روسیه و بخارا بازودی ترقی کرد . امیر امراد علما
بواسطه تجار با نیز تجارت میکردند . بسیاری از تجارهای بخارا
با سرمایه امراد علما کار میکردند و با آنها قریب بودند .
تسلط روسیه امپراطوری زندگانی بهنجبران بخارا را پریشان ترکد
چونکه امیران بخارا بطریق تحفه ، هدیه هر سال بدربار پادشاه روس
و مأموران او مبلغ های کلی تقدیم مینمودند ، آنهمه را نیز از رعیت
می ستانیدند ، زندگانی رعیت تنگ تر و سخت میگردد .
در آن زمان از علم و مدنیّت در بین مردم نام و نشانی نماند . در تمام
امارت بخارا از اهالی مملکت یک نفر دوکتور یا مهندس یا عالم علم
زراعت یا دانشمند علم حساب یا مؤرخ یا فتن ممکن نبود ، مدرسه های
مملکت بجز زیاده کردن شماره علمای بی سواد ، فاسق دیگر خدمتی
نمیکردند .

در باره براه ماندن کارهای تندرستی عامه حکومت امیرتج
یک اقدامی نمیکرد، خسته گی های میگذشته گی در بین مردم تعمیم
می یافت. باشندگان بسیار دبه بمرض زخم مبتلا یا دیگر
دردها درد مند بودند، کودکان مملکت بسبب نبودن طبیب دانشمند
و دوا چون مورد بلخ میمردند.

دبه های که سی چهل سال پیش از این صدخانه وار باشند
داشت، در عرقله انقلاب بخارا در سال ۱۳۳۹ هجری بجای صدخانه داردار
سی، بیت یاده خانه وار مردم بود. زندگانی مردم دهقان
کارهای دهقانی سال از سال خرابی میکشید. جویهای که پنجاه
یا صد سال پیش از این آب روان داشت در کنار آن کشت ها
دبه ها موجود بود، خشک و بی آب مانده بود. از کشت ها، دبه ها
اثر و نشانی نمانده بود.

رعیت فقرا امید استند که این همه خرابی و تنگی از اثر ظلم حکومت
امیر است، اما برای مقابله کردن خود را ضعیف و ناتوان می پنداشتند
علای دین همیشه تبلیغ و تشوین میکردند که اطاعت پادشاه واجب است

ترک امر و فرمانش موجب گنه کاری است .

عامة بی سواد فریفته سخن های علمای دین بودند . از طرف دیگر
راه مبارزه راه نجات را بروی خود بسته میدیدند ، میدانستند که
امرا ، علما و کسان صاحب نفوذ شهر و ده به هم پیوسته اند ، همه
یکجهت اند . بخلاف این زمره رعیت فقیر از همدگر بی خبر بی
تشکیلات مانده نمیدانست که چه کار کنند ، راز دل خود را بکه گوید ،
هرگاه از تنگی و سختی زندگانی مردم یک دهنه قدم بشورش گذارند مردم
دیگر دهنه از آنها بی خبر بودند ، بآدمت و تدبیر مردم صاحب نفوذ و
دولتمندان شور و قیام رنجبران ظلم دیده خاموش کرده میشد . جوهر
ترین قیام کرده گان را چون گنه کار بدست حکومت می سپاریدند .
مردم میدانستند که هرگاه ب حکومت داران امیر غالب آیند حکومت
ایمپراطوری روس امیر را حمایت خواهد کرد بمقابل حکومت
ایمپراطوری قدرت و توانای مقابلت کردن را دارا نیستند تا ۱۹۲۰ میلادی
یعنی در ۱۳۳۹ هجری تمام مردم بخارا و باشندگان قسم جنوبی جمهوری
تاجیکستان امروز به همین حال زیستند ، در نتیجه انقلاب اوکته

و افتادن امیر بخارا باشندگان این مملکت زندگانی نورا دارا
گردیدند .

اصول اداره حکومت امپراطوری روسیه زندگانی مردم تورکستان روس در آن زمان

قسی از مردم تاجیکستان باشندگان سمت شمالی آن که دلا
های خجند، اوراتپه، پنجکنت را شامل است و مردم شرقی پامیر در زمان
گذشته در زیر تابعیت حکومت امپراطوری روسیه بودند و این
جایها داخل تورکستان روسی بود .

حکومت امپراطوری بخارا و خیوه را بواسطه امیر بخارا و خان خیوه
اداره میکرد بقیه خاک تورکستان را بی واسطه خود اداره مینمود
چنانکه اینگونه شکل اداره بواسطه و بیواسطه از طرف دولت انگلیس
هنوز در هندوستان معمول است .

حکومت امپراطوری مردم تورکستان را چون ملت غیر روس

بیگانه میثاریه . سیاستی که حکومت . بهر طوری در تورکستان
تطبیق مینماید و عینا مثل همان سیاستی است که هنوز دولتهای غالب
و تسلط یافته در مستملکهای خود در باره ملت های محکوم تطبیق
میکنند .

حکومت امپراطوری در راه ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی
مردم تورکستان هیچ یک اقدامی نمیکرد . در کشادن مکنتها . در
با و تعمیر معارف هیچ مددی نمی نمود . بلکه اقداماتی که مردم تورکستان
در این راه میکردند ، از طرف حکومت دچار مانعها و مشکل ها میگردد .
حکومت امپراطوری تورکستان را چون منسجم مال خام می شناسد
و از این راه از تورکستان استفاده مینمورد ، در تأسیس صناعت و کارخانه
که مال خام مملکت را کار کند قابل استعمال نماید مانعت میکرد ، از این است که
در مدت پنجاه سال حاکمیت امپراطوری روسیه کار صناعت در خاک تورکستان
ترقی نکرد . کارخانه های بوجود آمده برای با آسانی بودن مال خام خدمت میکرد
مردم تورکستان در کارهای اداره وطن خود هیچ یک حق و اختیاری نداشتند .
نه ناموس های موجد حربی سیاسی و ملکی دست ناموسان از روسیه به حکومت

و بهر طوری بود . و از مردم تورستان قاضیها و نائب پویش با تعیین میکردند که
 در بین مردم چون جاسوسان حکومت معروف بودند و در این راه خدمت میکردند
 و در زمان حاکمیت بهر طوری در خاک تورستان بعضی مسائل ترقی اقتصاد
 و مدنی نیز فراهم آمد . اما اصول حاکمیت بهر طوری امکان نمیداد که آن
 با در راه ترقی مردم تورستان خصوصاً قسم رنجبران خدمت نماید . و در آن
 در تورستان خط های راه آهن کشیده شد . پوچته و تیلگراف تأسیس یافت
 راه های قنابل دست کرده شد . بانکها ، تجارت خانه ها ، سپین فاش شهرهای
 بنایافت ، محکمه های عدلیه تشکیل گردید . این همه وسائل برای استحکام حاکمیت دولتمندان
 خدمت میکرد بواسطه این وسائل مدنی مردم تورستان را بهتر بشمار میکردند . حاصل
 و سعی این مردم را با آسانی از دست پشان میگرفتند و میبردند . در تورستان کشت پنبه ترقی
 کرد . اما منفعت آن نصیب یک مشت قلیل دولتمندان بود . و نتیجه سیاستی که در آن زمان
 بود زمینهای کشت از دست دهقانها فقیر پرست دولتمندان میگذاشت . بشمار دهقان
 بی زمین فقیر سال از سال عیا فرود . حکومت بهر طوری صد هزار دهقان را از دواخل
 روسیه تورستان کوچانید . زمینهای خوب مردم تورستان را باز در دواخل
 بهمان جوان از روسیه آورده داد و خواست که با این راه از مهاجران برای خود

تکیه گاهی داشته باشد، در تورستان طرفداران صادق اصول
حاکمیت امپراطوری بوجود آید.

در نتیجه این سیاست حکومت امپراطوری احوال مردم تورستان
خصوصاً زندگانی قسم رنجبر این مردم بدتر و خراب تر شد. از ترقی
و آبادی مملکت بعامة مردم هیچ نفعی نرسید، بی سوادى و جهالت
عامه کم نشد، مکاتب، مدارس و مطبوعات مردم تورستان ترقی نکرد
از سیاست حکومت امپراطوری عامه مردم نارضا بودند، آنها
قیام و مبارزه بودند. در سنه ۱۸۹۱ و ۱۹۱۶ میلادی یعنی در سنه ۱۳۱۵ و ۱۳۳۶ هجری
قیام و مقابله بهم کردند. حکومت امپراطوری با ضرب توپ تفنگ قیام را خاموش
و مردم شورنده را مغلوب کرد.

در تورستان گروهی بودند که حکومت امپراطوری با صداقت
خدمت میکردند و طرفداری میکردند، این گروه قلیل از علمای دین،
زمین داران بزرگ و دولتمندان عبارت بودند، حکومت هم بهر
وسیله این گروه را حمایت میکرد.

از سیاست و اداره حکومت امپراطوری نه تنها عامه رنجبر

۲۳



در زمان حاکمیت امیرالمومنین موسی زنگنه در میان مسلمانان تبرکستان

گروهی از مسلمانان تبرکستان که بخلاف حکومت امیرالمومنین در میان مسلمانان تبرکستان بودند.

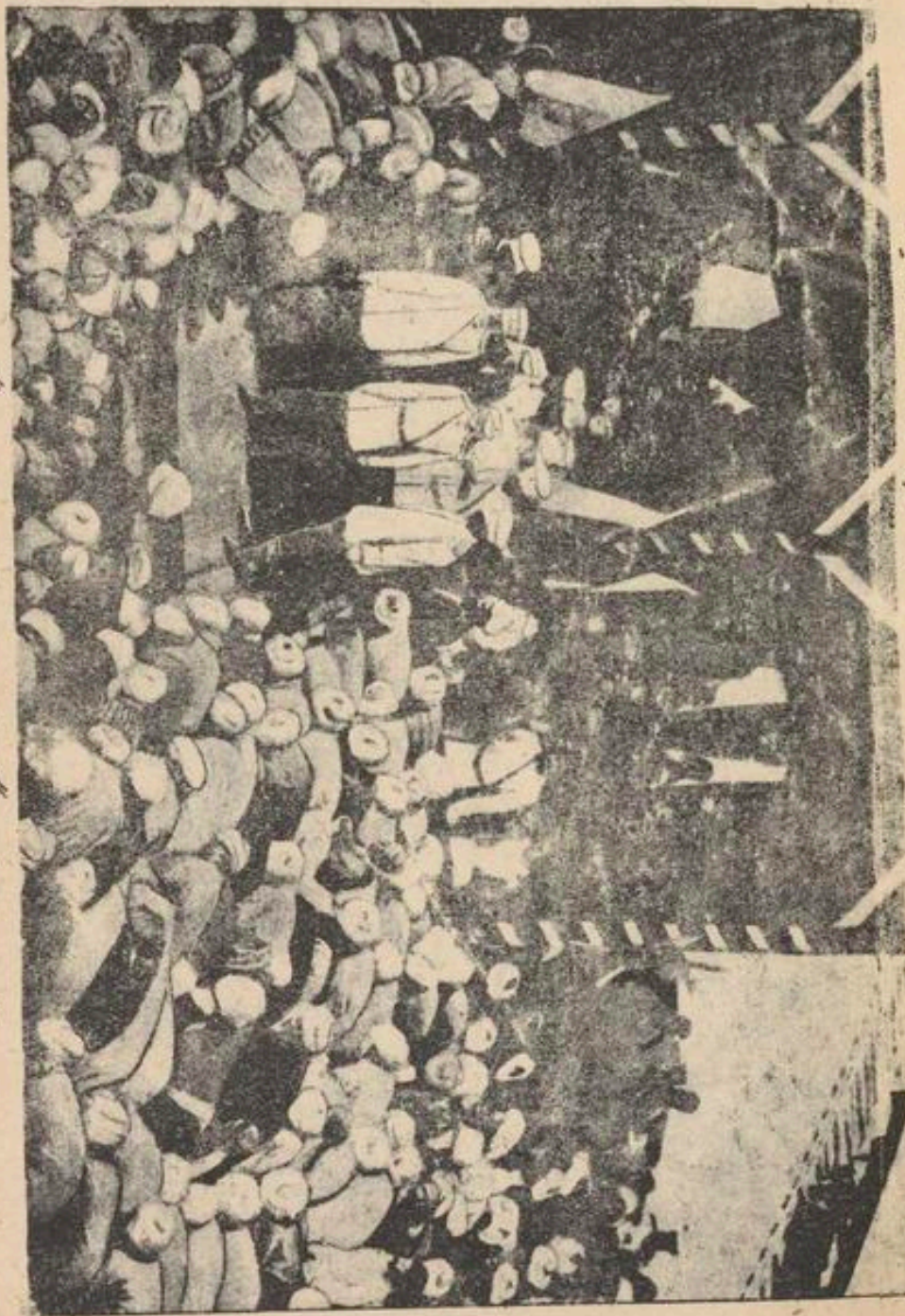
توکرستان نارضا بودند، بلکه اکثر مردم روسیه هم از حکومت خود
نارضا و بجگوشت خود دشمن بودند. چونکه حکومت ایماطوری در همه
کار و سیاست خود منفعت صنف دولتمندان را مقدم می‌شمارید و
بسیاری از ناموران بزرگ حکومتی، خود صاحب زمین بسیار، کار
خانه ها، بانک ها و تجارت خانه ها بودند.

صنف رنجبر مملکت، مرد کار کارخانه ها، فابریک ها و دهقانان
فقیر با سختی زندگانی می‌کردند. از همه حقوقهای سیاسی و مدنی
و اقتصادی محروم بودند.

اصول مالیات خراج، تجارت، صناعت، کارهای زراعت
معارف، عدلیه، نظامیه همه کار مملکت چنان اداره کرده می‌شد که
مردم دولتمند از آنها نیکو استفاده می‌کردند. صنف رنجبر رعیت
فقیر را از آنها نصیب خبری نبود. بنابراین از دیرگاه در بین دولتمندان
فقیران روسیه مبارزه صنفی دوام می‌نمود.

وقتی که در روسیه صناعت ترقی نکرده بود، صنف مردکار، کار
گران کارخانه ها فابریک ها هنوز بوجود نیامده بودند.

۲۵



یکی از یادگارهای مردم توکرستان در زمان حاکمیت امپراطوری روس که را بنیان

مردم زغنه با سرمای خیمه خود گنیزال امپراطور روس را سلام میکردند

سباززه صنفی درین دولتمندان، زمینداران و دهقانان فقیر دوم
 میکرد. تاریخ روسیه از شورش و عصیانهای دهقانهای فقیر
 پرست. از آن جهت که دهقانها صاحب تشکیلات منظم نبودند
 همیشه مغلوب میگرددیند.

هشتاد و هفتاد سال پیش از این کارصناعت بنا کردن فابریک
 ها، کارخانه ها در روسیه روبرقی نهاد و عدد مردکارهای کارخانه
 ها بازودی ترقی کرد، مردکارهای کارخانه دوازده، چارده حتی
 ۱۶ ساعت کار میکردند، مزد کم میگرفتند، برای گذرانی زندگانه
 ایشان کفایت نمیکرد، هرگاه کار را ترک کنند بهبودی احوال
 خود را طلب نمایند. بازور و ظلم حکومت آنها را بکار کردن مجبور مینمود
 حکومت منفعت و خیریت صاحبان کارخانه را همیشه مقدم میشمارید
 عوض و داد مزدورکارگران را نمی شنید. دشمنی و خصومت
 کارگرها در حق حکومت روز از روز میافزود.

تنگی زندگانه ظلم حکومت و دولتمندان صنف کارگر را در راه
 عصیان و انقلاب انداخت سی و چهل سال پیش از این مردکارها

تشکیلات های مخفی انقلابی خود را بوجود آوردند . مردکارهایی که
در کارخانه ها کار میکردند . هزارده هزار و بیش از این در یکجا جمع
بودند . جمعیت های بزرگ تشکیل میکردند . بنابراین با یکدیگر علاقه
کردن ، مشورت کردن تشکیلاتها بوجود آوردن ایشان نسبت
به همقا نه خیلی آسان بود .

با راهبری تشکیلات مردکارها در بین دهقانان هم کارهای تشکیلات
انقلابی خیلی قوت گرفت و انتظام پیدا کرد . در نتیجه قوت فتن
جریان انقلابی کارگرها قریب سی سال پیش از این فرقه بائوکی
تشکیل یافت . تأسیس کننده و راهبر این فرقه لینن بود .
از روز تأسیس خود این فرقه رنجبرها را در کارهای انقلابی راهبری
کرد ، و در راه مبارزه های صنفی عموم رنجبران با تمام فعالیت کار کرد .
حرکات انقلابی صنف رنجبر سال از سال شدت میکرد . در سال
۱۹۰۵ میلادی بمقابل پادشاه ، بمقابل اصول حکومت داری دولتمندان یک
حرکت انقلابی سخت پیدا شد ، همه مردکاران کارخانه ها ترک کار
کردند ، خواستند که اصول اداره مملکت را دیگر کنند راه های

آهن استاده شد، کارخانه ها از کار ماند، حکومت و دولتمندان
در اضطراب افتادند در شهرهای بزرگ و در بعضی دهنه ها در بین حکومت
در نخبان جنگهای خونین واقع گردید.

در این مبارزه بزرگ صنف رنجبر مملکت مغلوب گردید
حکومت و دولتمندان باز غالب آمدند، چونکه بسیارترین دهقانها
در این حرکت انقلابی همراهی نکردند، پس مانده گی دهقانها اثر
کرد، عسکر نیز آماده انقلاب نبود و در تحت تأثیر حکومت بود.
حکومت را مدافعه کرد.

این کشمکش مبارزه صنفی رنجبر و صنف دولتمندان تا
انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ میلادی دوام نمود و این انقلاب
دولتمندان را مغلوب و رنجبران را غالب کرد.

جنگ عمومی و انقلاب روسیه

دولتمندان روسیه میخواستند که برای ترقی تجارت و صناعت
خود خاک مملکت را دسعت دهند باز مملکت های دیگر را تصرف
نمایند بخود تابع کنند. با این نیت در ۱۳۲۲ هجری در جنگ عمومی
داخل شدند با فرانسیه و انگلیس اتفاق کردند، بمقابل جرمنی و اتریش
و تورکیه بجنگ آغاز نمودند. جنگ بدرازی کشید، قوت و دولت
مملکت در راه جنگ صرف کرده شد. تلفات عسکر روسیه روزانه دوز
میان فرود. حکومت روسیه پانزده میلیون رنجبر را در میدان جنگ
بخدمت عسکری برده بود.

معلوم بود که برای صنف رنجبر از این جنگ فایده حاصل نخواهد
شد. در این جنگ غالب آیت یا مغلوب گمردند بهر حال منفعت نصیب
زمینداران بزرگ صاحبان کارخانه ها، فابریک، تجارت خانه ها
بانک خانه ها بود. این گروه در همه وقت تنگی و سختی احوال فقر
رنجبر را در نظر نمیگرفتند، بر دوش دشمن جنگ را طلب مینمودند.

تشکیلاتهای انقلابی در بین مردکار عسکر و دهقان کار کردند.
 فهمانیدند که این همه خون ریزی ها برای منفعت دولتمندان است.
 مردکار و دهقان عسکر بمقابل حکومت برخاستند و در ماه فیورال ۱۲۹۱ میلادی
 یعنی در ۱۳۳۶ هجری پادشاه روسیه بمپراطور نیکالای را از تخت برانداختند،
 دولتمندان دیدند که اگر در آن لحظه بمقابل مردم انقلابی بطور آشکار قیام
 نکنند، کار اداره مملکت از دست دولتمندان خواهد رفت، چنین تدبیر
 را اختیار نمودند که خودشان را در ظاهر بمردم انقلابی از طرفداران انقلاب
 و آزادی معرفی کردند، از تخت برانداختن پادشاه را تصویب
 نمودند و باین راه اداره مملکت را بدست خود گرفتند و در باطن حرکت
 میکردند که انقلاب را زودتر خاموش کنند. در نتیجه این انقلاب
 اداره مملکت باز بدست دولتمندان بماند، حکومت نو برای درستی
 احوال مردکار و دهقان و عموماً صنف رنجبر هیچ یک کاری نکرد.
 جنگ را بردوم داشت، خرابی و پریشانی صنف رنجبر روز از روز میافزید
 از آن روزی که حکومت امپراطوری سقوط کرد و کار بدست
 دولتمندان گذشت، فرقه باشوئیک و راهبران فرقه لینن میگفت که:

« این کسانی که اداره مملکت را بدست خود گرفته اند ، همه از صنف
دولتمندان اند ، از خرابی و پریشانی صنف رنجبر اینها هیچ غمی ندارند ،
تا زمانیکه صنف رنجبر اداره مملکت را بدست خود نگیرد ، اصول اداره
که موافق منفعت و خیریت صنف رنجبر باشد ، بوجود نخواهد آمد .
هر ماه هر روز که میگذشت راستی سخن بالشوکیها روشن تر
میگردید ، اعتماد عامه رنجبر در حق فرقه بالشوکی زیاد تر میشد .
در تحت تأثیر تنگی و سختی زندگانی هم تبلیغات و راهبری فرقه بالشوکی
صنف رنجبر بمقابل حکومت دولتمندان راه انقلاب را پیش گرفت .
مردکارهای کارخانه ، علم انقلاب را برداشتند ، همه دهمقان رنجبر
و عسکر با صنف مردکار همراهی کردند .

در آن روز با این شعارها سرشق و دستور همه رنجبران انقلابی بود
« نیست باد حکومت دولتمندان » ، حکومت را بدست شورای مردکار
دهمقان و عسکر باید داد ، جنگ را تمام باید کرد ، زمینهای دولتمندان
به دهمقان های بی زمین داده شود ، فابریک ها ، بانک ها تجارت خانه
های دولتمندان ملک عامه ملت باشد . »

در این مبارزه صنفی دولتمندان از مقابله و مبارزه کردن باز
آمدند و در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ میلادی صنف رنجبر حکومت دولتمندان
را برانداخت، حاکمیت را بدست خود گرفت و حکومت شورای را
تشکیل کرد.

از ساعتی که صنف رنجبر حاکمیت را بدست خود گرفت قدم بقدم
مقتضیهای صنفی خود را بوقع اجرا گذاشت، تمام کارهای خود را از نقطه
نظر صنف رنجبر تشکیل کرد.

حکومت شورای به همه دولت های جنگ کننده تکلیف نمود که با
های برابری صلح کنند، متفق های سابق روسیه قبول نکردند، دولت
شور خود تنهایی صلح کرد، عهدنامه های که درباره تقسیم کردن تورکیه
ایران و افغانستان حکومت امپراطوری با متفقان حربی خود بسته
بود، حکومت شورا همه را بیکار و از اعتبار ساقط اعلان نمود.

قرضهایی که برای صرف جنگ و استحکام دادن حاکمیت صنفی خود
حکومت امپراطوری و حکومت دولتمندان از سرمایه داران خارجی گرفته
بود، حکومت شورای اعلان نمود که آن قرض را حکومت صنف رنجبر خواهد

پرداخت . حقوق امتیازاتی که دولتمندان خارجی در روسیه داشتند
حکومت رنجبران نیز قبول نخواهد کرد .

انجمن طلباتی که حکومت‌های سابق روسیه از تورکیه ، ایران و
چین داشتند همه را بخشید . از همه امتیازاتی که در آن مملکت با
حکومت امپراطوری داشت از همه گذشت . عهدنامه های که حکومت
امپراطوری با آن دولتها بسته بود و حقوق سیاسی اقتصادی آنها را
زیر پا کرده بود ، همه را ساقط از اعتبار شماریه و در بستن عهدنامه
های دیگر به اساس برابری اقدام کرد .

تفضیقات و سخت گیری های که بنا بر سبب تفاوت ملی و دینی در حق
غیر روس ها در زمان گذشته مرعی بود همه را لغو کرد . رنجبران همه
ملت و مذہب را در کار اداره مملکت حقوق برابری بخشید و امکان
داد که هر ملت با رضا و خواهش خود طرز حکومت داری خود را تعیین
نماید و اگر لازم داند مختار است که از جمهوریت شورای روسیه تمام
جدا شود .

زمین های زمینداران و دولتمند را گرفت . به بقاعتهای بی زمین و کم زمین

بانک ها ، فابریکها و تجارت خانه ها را تصرف کرد ملک ملت اعلان نمود
 زمینداران بزرگ ، دولتمندان شهر و دهه و علمای دین را از حقوق
 اداره کردن مملکت محروم قرار داد . این سیاست ، این اقدامات
 حکومت شورای ، دولتمندان داخلی و خارجی را در اضطراب انداخت
 سرمایه داران داخلی و خارجی دیدند که این جریان صنفی انقلاب
 میتواند که عالمگیر گردد و در تمام دنیا حاکمیت دولتمندان را زیر و زبر
 کند . و بنا بر این بمقابل حکومت شورای همه راه مخالفت و مبارزه
 اختیار نمودند . منصب دارهای حربی و ملکی حکومت امپراطوری
 زمینداران بزرگ ، صاحبان کارخانه و تجارتخانه ها ، علمای دین
 از روس و غیر روس همه بخلاف حکومت رنجبران برخاستند .
 حکومتهای دولتمندان خارجی خصوصاً انگلیس و فرانسیه
 با تمام همستی خود بحکومت شورای به مملکت رنجبران هجوم آوردند .
 بدسته های عکس انقلاب داخل روسیه مدد کردند .
 از طرف دیگر یک قیام عمومی صنفی رنجبران برپا شد ، مردکاران
 همه فابریکها ، دهقان های رنجبران از روس و غیر روس برای مدافعه

حاکمیت صنفی خود در برابر روزه خوئین اقدام نمودند .
 رنجبران نمی خواستند که برای فائده دولتمندان جنگ کنند ،
 از جنگ بیزار بودند ، اما در این جنگ صنفی که برای ننگه داشتن
 حاکمیت صنفی خود قبول نموده بودند ، با کمال مردانگی استاده گی
 کردند . در اثنای این مبارزه تنگی و خرابی مملکت گرسنه گی و
 سختی عامه رنجبر روز از روز افزونتر میگردد ، اما این همه تشکیلات
 عزم و متانت صنف رنجبر را نه شکست کم نکرد .
 در سایه موفقیت و کامیابی های رنجبران روسیه ، جریان انقلاب
 بین الملل قوت گرفت . رنجبرانی که در مملکت های ثروتمندان زندگان
 میکردند از موفقیت های انقلابی رنجبران شورای باختر شده جرئت
 یافتند ، بمقابل حکومت های خود نیز راه انقلاب را پیش گرفتند .
 در ننگه داشتن حکومت شورائی کوشش کردند .
 عسکرانی که از طرف دولتهای سرمایه داران برای نیست کردن
 حاکمیت شورائی فرستاده شده بودند ، بمقابل حکومت شورای جنگ
 نکردند ، حکومت های دولتمندان مجبور گردیدند که از مملکت شورائی

دست کشند ، ترک جنگ نکنند . سرمایه داران داخلی نیز از
مبارزه و مقابله عاجز آمدند ، حاکمیت شورائی استحکام یافت ،
حکومت شورای در راه ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی صنف
رنجبر اقدام نمود .

اثر انقلاب در تورکستان

در نتیجه از تحت برانداختن پادشاه روسیه ، در تورکستان هم
حرکت انقلابی بوجود آمد ، گروه دولتمندان روس و مسلمان کار
اداره مملکت را به دست خود گرفتند .
دولتمندان تجد و خواه بخارا نیز خواستند که کار اداره مملکت را
به اختیار خود گیرند و نفوذ و تأثیر خود را بیا فزایند ، آنها میخواستند
در امور مملکت بعضی اصلاحات اجرا شود اما امیر و اطرافیان کهنه
پرست او این را قبول نکردند ، حصول این مطلب را امکان ندادند .
از انقلاب فیورال از سقوط حکومت امپراطوری صنف رنجبر
نیز استفاده کرد ، کارهای تشکیلات انقلابی رنجبران قوت یافت .

درین رنجبران روس و محلی نزدیکی و یکجہتی زیادہ شد .
 در تورکستان ہم صنف رنجبر بمقابل حکومت نو دولت مند ان مبارزہ
 میکرد و در این مبارزہ فرقہ بالشویک را ہبری مینمود .
 در نتیجہ این انقلاب اوکتا بر در تورکستان ہم حکومت نو دولت مند
 افتاد . کار بدست صنف رنجبر گذشت . در این جا ہم صنف دولت مند
 بمقابل حاکمیت رنجبر راہ مخالفت را پیش گرفتند .
 زمینداران بزرگ دولت مند ان شہر و دیہ منصب داران حکومت سابق
 علمای دین از روس و مسلمان یک اتحاد صنفی بوجود آوردند .
 با تشکیلات ہای عکس انقلابی داخل روسیہ یکجہت گردیدند ، حکومت
 انگلیس ہم بیاری این گروہ رسید ، امیر خجرا ہم با این ہا ہم دست
 بود . این دستہ ، این قوت عکس انقلابی کہ از طرف دولت مند ان
 روس ، یہود ، ارمنی و مسلمان تشکیل یافته بود ، دعوی محافظت اسلام
 را کردہ و با این راہ مردم را فریقہ خود میکرد .
 بمقابل این گروہ عکس انقلابی کہ دولت مند ان ہمہ ملتہا تشکیل کردہ
 بودند ، صنف رنجبر مملکت نیز با ہمہ گیر اتحاد نمودند ، از رنجبران اوزبک

تا جیک ، تورکمان ، قرغیز ، قزاق ، روس یک قوت انقلابی بوجود
 آمد . همگی دست بدست یکدیگر داده حاکمیت صنفی خود را مدافعه کردند .
 دایره مبارزه صنفی وسعت یافت ، رنجبران بخارا و خیوه نیز همراهی
 کردند ، حکومت امیر بخارا نیز افتاد ، امیر بافغانستان گریخت ، در
 خاک تورکستان جمهوریت های شورائی تورکستان ، بخارا و خیوه
 برپا شد . آنهایی که حاکمیت را از دست داده بودند ، نتوانستند
 مقابله و مقابله کردند ، مبارزه صنفی بدرجه رسید که طرفداران حاکمیت
 دولتمندان با ستمه چی ها ، زن و کودکان و بهمانهای رنجبران را میکشتند
 قتل عام ها میکردند ، خرمن و خانه های رنجبران را میسوختند .
 با این همه سختی ، صنف رنجبر تاب آورد ، مبارزه کرد غالب شد
 راه صنفی خود را اجرا کرد ، تمام مال و ملک دولتمندان بخارینه ملت تعلقی
 یافت . زمینهای زمینداران بزرگ را به بهقان های کم زمین دبی زمین
 داده شد ، درآمد زمین های اوقاف را بکارندگان فقیر بخشیدند
 تمام کارهای سیاسی ، اقتصادی و مدنی مملکت موافق منفعت صنف
 رنجبر تشکیل یافت ، بدست صنف رنجبر گذشت .

بعد از آنکه صنف رنجبر حاکمیت خود را مستحکم نمود مسئله تشکیل
کردن جمهوریت های ملی را پیش گرفت و در نتیجه حل کردن این
مسئله جمهوریت شورائی تاجیکستان بوجود آمد.

برپاشدن جمهوریت های ملی در آسیای میانه و بوجود آمدن جمهوریت تاجیکستان

و قاعه حکومت امپراطوری خان های تورکستان را مغلوب کرد
قسم بزرگ خاک تورکستان را بی واسطه در تحت اداره خود گرفت.
و قسمی را در زیر عنوان تابعیت امیر بخارا و خان خیره گذاشت و بواسطه
آنها اداره کرد.

اما تقسیمات حدود را چنین تعیین نمود که اتحاد و نزدیکی ملت های آسیای
میانه را امکانی نماند. بعد از انقلاب او کتا بر مردم آسیای
میانه توانستند که امتیازها و جدائی های ملی را محو نمایند. جمهوریت های
ملی برپا نمایند در سال ۱۳۳۳ هجری بجای جمهوریت های تورکستان
بخارا و خیره جمهوریت های ملی تشکیل نمودند. حدود های این جمهوریت های

موافق منافع ملی خود تعیین نمودند .

در مملکت سابق امپراطوری ، جمهوریت های آزاد اوزبکستان
تاجیکستان ، ترکمنستان ، قزاقستان و قرغیزستان بوجود آمد
ملت هایی که در نتیجه سیاست امپراطوری پریشان و پراکنده بودند ،
در دایره جمهوریت های ملی خود بهم پیوستند .

جمهوریت تاجیکستان که از جهت اقتصادی و مدنی خیلی پس مانده بود
چون یک جمهوریت مختار در داخل جمهوریت اوزبکستان بماند ،
و قریب پنج سال زندگانی این جمهوریت در جزایر اوزبکستان گذشت .
در مدت این پنج سال در زندگانی اقتصادی و مدنی تاجیکستان
چنان یک تبدل لایه بوجود آمد که اگر احوال تاجیکستان را در زمان امیر
دانید و از حالت پنج سال قبل آن واقف باشید بی اختیار خواهید گفت
که این ترقی تاجیکستان محیر العقول است .

دو سال اول زندگانی تاجیکستان در راه برپا کردن امنیت
مملکت ، نیست کردن با سیمه چی ها گذشت . در آخر سال ۱۳۴۵ هجری خورشیدی
تاجیکستان از غارت با سیمه چی ها پاک گردید . امنیت در مملکت مستقر شد

د انجمن یکم شورا های رنجبران تاجیک اجتماع نمود ، راه های انکشاف
اقتصادی و مدنی مملکت را معین نمود ، حکومت مرکزی خود را انتخاب کرد
از آن روز حکومت تاجیکستان تمام قوت و سعی خود را در راه استحکام
دادن حاکمیت صنفی ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی مملکت مصروف
داشت . رنجبران تاجیکستان از همه کار بیشتر در تقویت و استحکام
حاکمیت صنفی خود کوشش کردند .

عمدار و منصب دارانی که در زمان امیر زمام اداره مملکت را
در دست خود داشتند ، زمینداران کلان و تجار را و علیانی که اصول
حکومت داری دولتمندان را حمایت میکردند ، همه را از حقوق اداره
کردن مملکت از حق انتخاب و منتخب گردیدن محروم کردند ، همه را از
کار های اداره رانند ، بیرون کردند .

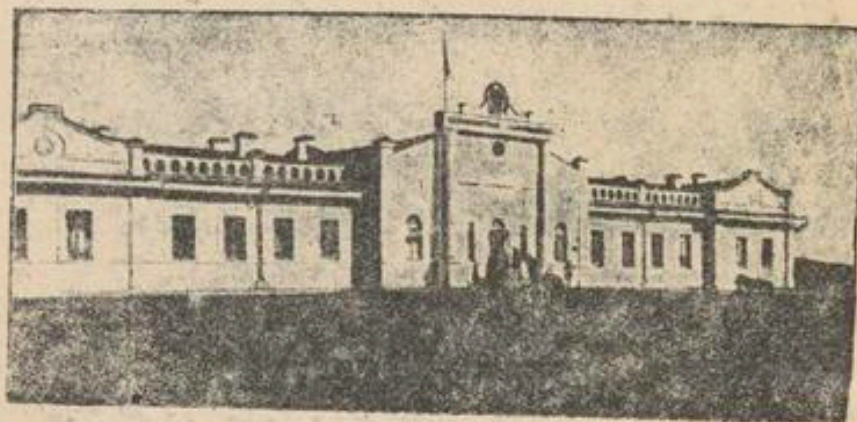
حق اداره کردن مملکت را به صنف رنجبر منحصر ساختند از
دیه گرفته تا مرکز جمهوریت ، همه مأمور ها را بهر های حکومت و دولت
از طرف صنف رنجبر از بین صنف رنجبر انتخاب کرده میشوند .
در نتیجه این انتخابات که در هر دو سال یکبار تکرار میشود ،

تمام اداره و کار مملکت بدست انتخاب کرده گان صنف رنجبر گذشت
آنانی که چند سال پیش از این مزدوری مردکاری ^{مقتاد}
میگردند ، امروز با کمال مهارت و توانایی کارهای مهم
مملکت را اداره میکنند .

مثلاً رئیس کمیته اجرائیه ایشان که با اصطلاح ما رئیس
جمهور است ، رئیس شورای کیسرها ، ایشان که با اصطلاح ما
رئیس الوزرا است ، کیسرهایی عدلیه ، معارف ، داخلیه
حربیه ، مالیه ، تدرستی ، زراعت ایشان که با اصطلاح ما
وزیرهای این وزارت خانه ها اند ، همه از فرزندان رنجبر
انتخاب کرده میشوند . رئیس جمهور رئیس الوزرا و دیگر وزیرها
ایشان در پنجمین بای شورای مردم و کلاهی مردکار و دهقان ها از
کارهای حکومت و دولت حساب میدهند . اگر کار و خدمت ایشان
شایسته شمارند بکار ایشان میمانند و گرنه بجای ایشان از بین
رنجبران دیگری را انتخاب میکنند .

۴۳

خانه عاکیت صنف رنجبر



کمیته مرکزی اجرائیه جمهوریت اجتماعی شورائی تاجیکستان

حکومت صنف رنجبر قانونها و تشکیلات عدلیه مملکت را نیز از نقطه نظر
صفت صنف رنجبر درست کرد .

در زمان گذشته شاید با اعتبار محکمه ، دولت منه شمرود همه بود
امروز سخن و شهادت یک رنجبر یک مزدور از شهادت آن شخص
با اعتبار سابق ، مقدم داشته میشود .

در زمان گذشته محکمه ، قاضی خانه را دولتمندان چون خانه خود
میشماریدند ، میدانستند که حاکم و قاضی از جنس آنهاست ، قانون
مملکت حقوق آنها را مدافعه میکند .

امروز احوال چنین شده است که فقیر رعیت مزدور با دلیری تمام
به محکمه شورای صنفی خود میرود ، قبل از مرافعه میداند که سخن حق اوست
خواهند شنید و حکم بجا خواهد آمد ، چونکه آنکس که میسرود
آنکس که حکم میکند نیز از رنجبران است ، قانون مملکت حقوق رنجبران
را مدافعه میکند .

دولتمندی که در زمان گذشته محکمه را حامی خود میشمارید ، در محکمه
عدلیه شورای باترس و لرزه میرود ، میدانند که این محکمه صنف و نیست

قانونیکه چون دستور در اساس گرفته میشود، از نقطه نظر صنعت
صنف رنجبر نوشته شده است. بنابراین مرافعه را خواهد باخت. صنف
رنجبر در باره مدافعه و محافظت کردن وطن صنفی خود نیز اهمیت کلی داد
از روز تأسیس جمهوریت تاجیکستان در راه تشکیل کردن عسکر صنفی
خود اقدام نمود. امروز تاجیکستان دارای یک قوت مسلح صنفی
مکمل گردیده است که همه قسم های حربی پیاده، سواره توپچی، پلیوتچی
و دسته های کیمیایی را داراست. از رنجبران تاجیک را مهربان
حربی کو ماندان های ماهر رسیده است، و بسیار جوانان تاجیک
در مکاتب میانه و عالی حربی مشغول تحصیل اند. این قوت عسکری
رنجبران تاجیک که جزا عسکر سرخ شوراء است، چون یک قوت مسلح
بین الملل رنجبران شماریده میشود.

برای تأمین نمودن امنیت و انتظام داخلی جمهوریت، رنجبران
تاجیک، میلیتسیه منتظم صنفی نیز بوجود آورده اند.

در عسکر و میلیتسیه جمهوریت تاجیکستان فرزندان رنجبر را قبول
میکند. به مخالفان صنفی خود به فرزندان دولتمندان تیر و تفنگ را

نمیدهند آنها را در صف عسکر صنفی خود قبول نمیکند. رنجبران تاجیک
میدانند که بدون ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی بهبودی و درستی
زندگانی صنف رنجبر میسر نمیشود؛ بنابراین با یک سلسله تدبیرهای
مهم در درستی این کارها اقدام نمودند؛ محافظت کردن منفعت صنف
رنجبر را در کارهای خود اساس پستند؛ خرابی مملکت، و فقری عامه و
را در نظر گرفته سه سال تمام خراج زراعت را به دهقانان بخشیدند.

بعد از آنکه احوال اقتصادی مملکت رو به بهبودی نهاد و در اخذ نمودن خراج
و دهقانی اقدام نمودند؛ درباره خراج و مالیات مملکت چنین قوانینی
وضع کردند که باعث رفاهیت و درستی زندگانی و دهقان فقیر و میان
حال گردد. از روی قانون خراج دهقانهای مملکت را به چهار قسم تقسیم میکنند:
قسم اول، دهقانهای که فقیراند، اصلی که از کشت خود میگیرند برای
تأمین زندگانی اهل و عیالشان کفایت میکند، این قسم را از دادن خراج
و دهقانی تمام آزاد میکنند.

قسم دوم دهقانهای که احوال زندگانی ایشان نظیر به قسم اول
فی الجمله بهتر است، لکن بآن اندازه که زندگانی ایشان بخوبی گذرد،

درآمد ندارند؛ از مجموع درآمد دهقانی این قسم دهقانها از صدی
سه تا از صدی شش و هفت میگیرند.

قسم سوم دهقانهای که درآمد کافی دارند، زندگی ایشان بخوبی
میگذرد، از حاصل و درآمد اینگونه دهقانها از صدی شش تا از صدی
ده میگیرند.

قسم چهارم دهقانهای که درآمد بسیار دارند، در کشت و زرعیت خود
مردکارها چار یک کار با پنج یک کار با دارند؛ تمامی گرانی خراج
به این گروه دهقانان عائد است، از درآمد و حاصل این قسم دهقا
نهای از صدی ده تا از صدی بیست و پنج میگیرند.

در زمان سابق هر کس دولتمند و صاحب اعتبار بود، از او
کمتر میگرفتند، در این زمان سیاست خراج مملکت تمام برعکس
آن است؛ همه سبکی و رعایت نصیب دهقان فقیر و میان حال
همه گرانی نصیب دارا و دولتمند است، همین اساسی که درباره خراج
دهقانی عرض کردیم در دیگر مالیات و خراجهای جمهوریت نیز مرعی است.
جمهوریت تاجیکستان هم مثل دیگر مملکت های مشرق زمین مملکت

و مقامی است . در زمان گذشته در این جا از صناعت و کارخانه
نام و نشانی نبود ؛ بنابرین ترقی و تکشاف اقتصادی تاجیکستان
از همه کار زیاده تر و وابسته ترقی کردن کارهای زراعت است ؛
رنجبران تاجیکستان در مسئله های ترقی کارهای و مقامی اهمیت بزرگ
میدهند . در این مدت پنج سال کار زراعت مملکت را خیلی ترقی دادند
و احوال عموم و مقامان ها را خیلی بهتر کردند .

زمینهای که در زمان گذشته ملک خصوصی امیر و نامورانش بود
همه را بفقرای فقیر به مقامان رنجبر تقسیم کردند و دادند ؛ همچنین زمینها
املاک و اوقاف را که در زمان گذشته قسم کلی حاصلش را نامور
امیر و علمای دین میگرفتند . همه را بکارنده گان رنجبر گذاشتند ،
من بعد بنام املاک و اوقاف از آنها کسی چیزی نمیگیرد .

خریدن و فروختن زمین را منع کردند ، چونکه همه خریدار و دلمند
و فروشنده فقیرانند ، در هر جا که خرید و فروش زمین معمول است
زمینهای خوب آهسته آهسته بدست مردم دلمند جمع میگردد .
همه زمینهای مملکت را ملک ملت قرار دادند ، هر کس که کار میکند زمین

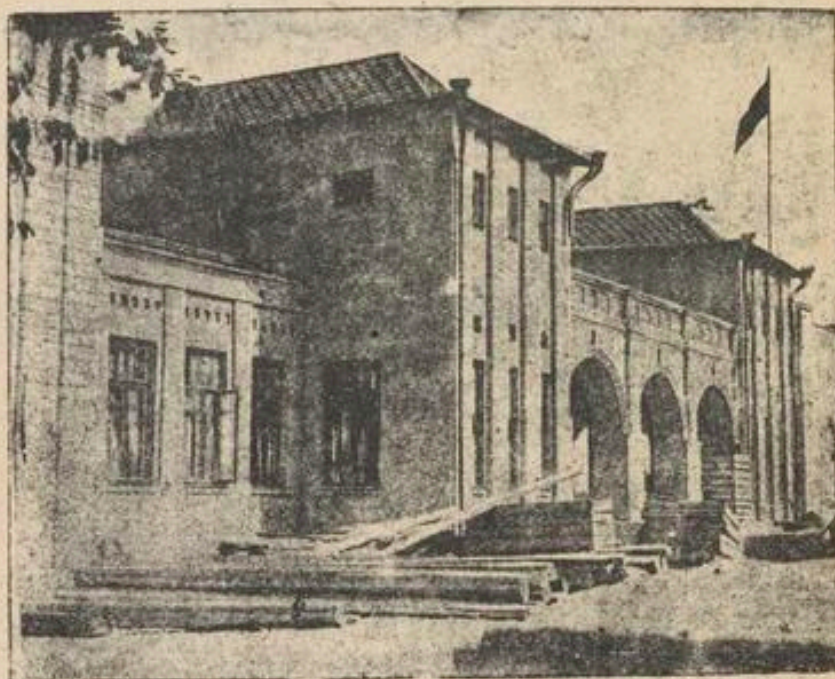
باو و فرزندان او میدهند، با این راه در زندگانی عموم دهقانان یک
بنیاد مستحکم اقتصادی گذاشتند.

در تاجیکستان آب رودان و زمین قابل کشت بسیار است، اما بسیار
جوی های که برای آب یاری لازم است در نتیجه سیاست امیران، بطل
گردیده بی آب مانده است. حکومت تاجیکستان در باره جویهای
نوبر آوردن و در جویهای باطل و خشک شده آب جاری کردن باجهت
تمام کوشش نمود؛ در مدت پنج سال قریب در یکصد و پنجاه هزار هیکتار
زمین که بحساب مانه صد هزار جریب میشود آبیاری کرده، جویهای
نوبر آورده در این مدت به ده هزار خانه وارد دهقان بی زمین و کم
زمین از طرف حکومت زمین دادند، آنها را زمین های نو آبیاری
شده کوچانیدند، بهر یک بانه اژه کافی مبلغی دادند که برای خود
خانه درست کنند، گا و اسب و دیگر اسباب دهقانی بخرد.
از روی قرار حکومت تاجیکستان، سال باز به ده هزار خانواده
دهقان بی زمین و کم زمین، از زمین های که آبیاری شده است، زمین
میدهند و زندگانی آنها را درست میکنند.

و دهقانهای تاجیکستان در کشت و زراعت اسبابهای قدیمی را
 کار میفرمودند، اصول زراعت مملکت صد سال پیش از این حکوم
 باشد بهمان حال مانده بود، از کار فرمودن ماشینهای نو دهقان
 و استفاده نمودن تجربههای علمی تمام بی خبر و محسوم بودند.
 حکومت تاجیکستان در این باره نیز یک تبدلات عجیبی بوجود آورد
 در جلب نمودن عالمهای علم زراعت تشکیل کردن مؤسسههای علمی
 زراعتی اگر انومی و تعمیم نمودن ماشینهای نو دهقانی، با کمال جدیت
 کوشش کرد، و مردم تاجیکستان را در کار فرمودن ماشینهای دهقان
 و استفاده نمودن از تجربههای علمی زراعتی آماده نمود؛ امروز هزارها
 دهقانهای تاجیکستان با ماشینها، تراکتورها زراعت میکنند، از تجربه
 های علمی در کارهای دهقانی خود استفاده میکنند، کارهایی را که در ماقبل
 و ماهها میکردند، با یاری ماشین و علم، در مدت یک روز و دو روز میکنند
 در زمان گذشته دهقانهای تاجیکستان از سود خورهای قرض
 ها میگرفتند، و تنزیل بسیار میدادند، آخر از بارگران قرض براند
 نتوانسته از زمینها و خانههای خود جدا میگرفتند، همه را فروخته قرض

خود را ادا می‌کردند؛ حکومت تاجیکستان احتیاج مردم دهقان را
در نظر گرفته یک بانک مخصوص برای دهقانها قرض دادن تأسیس نمود.

نمونه از عمارت های پای تحت جمهوریت رنجبران تاجیک



دهقان سرای: - بنائی است که از طرف حکومت رنجبران تاجیک برای تربیت دهقانان رنجبران ساخته شده است

و شعبه های این بانک را در همه جا در بین مردم دهقان تشکیل کرد،
هیئت اداره این شعبه ها از طرف خود دهقانها انتخاب کرده میشوند که
با اصطلاح محلی «شرکت های قرض دهقانی» میگویند.

این بانگ بواسطه شعبه های خود هر سال میلیون ها مردم دهمقان
قرض میدهند ، احوال اقتصادی دهمقان را در نظر گرفته مهلت ادای قرض
را تعیین مینمایند ، و همچنین منزلی را موافق احوال دهمقان سالانه از
صدی دو تا صدی شش میگیرند که برای تأمین نمودن مخارج مؤسسه بانگ
و شعبه های آن کفایت میکند .

در سالهایی که مبارزه انقلاب شدت کرده بود ، بسیار عملداران ،
دولتمندان ، طرفداران اصول حاکمیت ثروتمندان ، بافغانستان گریختند ،
و از مردم سرحد نشین تاجیکستان براه تشویق و تحریک بسیار کسان را بخود
بردند . رنجبرانی که بجاک افغانستان رفته بودند ، بحکومت خود مراجعت
نمودند که باز بوطن خود آمدن آنها را تأمین نماید .

حکومت تاجیکستان در این راه تدبیرهای جدی کرد ، قرارداد که
رنجبرانی که از افغانستان بوطن خود باز می آیند ، بآنها باز دازه کفایه
زمین داده شود برای درست کردن خانه و خریدن اسباب و همقانی
بآنها مبلغ ضروری داده شود و در تمام حقوق اداره مملکت آنها را
برابر و کامل الحقوق شماریده شود . در نتیجه یاری حکومت تاجیکستان

بسیار از رفته گان باز بوطن خود آمدند، هنوز در افغانستان قسمی مانده اند و همیشه کوشش میکنند که زودتر بوطن خود برسند. اما برای پس آمدن آنها در آن جانب مانع ها بسیار است. در باره ترقی و انکشاف کارهای و مقامی مملکت اقداماتی که حکومت شورائی تاجیکستان بکار برد ویرنگشید، نتیجه های نمایان بخشید، کشت مملکت در مدت پنج سال بیش از سه مرتبه افزود؛ خصوصاً کشت پنبه و کار پله ابریشم بسیار ترقی کرد، صادرات، چیزی که از تاجیکستان در دیگر جمهوریت های شورائی و ممالک خارج میبرند سال از سال میافزاید.

پنبه، غله، ابریشم، محصول مال چارپاداری، میوه قسم عمده صادرات تاجیکستان را تشکیل مینماید. و مقامهای تاجیکستان از فروش محصول سعی خود میلیون ها میگیرند. حاصلات تاجیکستان هر قدر که افزاید همان قدر احوال عامه و مقامان بهتر، در آیدش بیشتر میشود. در این باب تاجیکستان و عموماً جمهوریت های شورائی یک خصوصیتی دارند که در مملکت های غیر شورائی دیده نمیشود.

چنانچه در مملکت های غیر شورائی هرگاه زندگانی اقتصادی مملکت ترقی
کند، صنعت انکشاف یابد و دولت مندان و دولت مند تر فقیران فقیر تر میشوند
تفاوت زندگانی بین دولت مندان و فقیران بسیار تر میشود، در جمهوریت
شورائی هر قدر که احوال اقتصادی مملکت خوب تر شود بهمان اندازه احوال
رعیت فقیر بهتر میشود. رنجبران کار تجارت مملکت را نیز بهر
اساس تشکیل نمودند.

در زمان گذشته کار تجارت مملکت به دست تجارها، حناطها، جلاها
بود آنها کوشش میکردند که هر چه که از مردم بخرند ارزانتر بگیرند و هر چه
که بمردم میفروشتند قیمت تر بفروشتند، در این معامله خرید و فروش
مبلغ بسیار از جیب مردم بکبشه تجارها و حناطها میرفت.
حکومت شورای تاجیکستان از طرف دولت تجارت خانه تشکیل
نمود و در بین مردم بسیار شرکتها بوجود آورد که با اصطلاح آنجا
«کاپراتیف» میگویند. و با این راه مردم را از پنجه تجارها و حناطها
خلاصی بخشید.

امروز مردم تاجیکستان هر چه که بفروشتند به تجارت خانه دولتی

و شرکت با میفروشدند، خرید را نیز از آنها میکنند، نرخ خرید و فروش
مال با را از روی اعتدال تعیین میکنند، در این میان اگر فائده
حاصل شود، در جیب دولت و شرکت های رنجبران میماند.
تمام تجارت مهم مملکت بدست این تجارت خانه های دولتی و شرکت
های رنجبران گذشته است. از این تدبیر حکومت تجار با، خا ط با
دیگر و رنجبران خورسند اند.

در زمان گذشته تاجیکستان راه های منظم نداشت. اسباب
نقلیات بارکشی بدون و آوردن مال با از شتر، اسب و خر عبارت بود.
در بسیار جای های تاجیکستان از بی راه رفتن عرا به ممکن نبود.
بی راه، گرانی کرایه یکی از مانع های بزرگ ترقی و اقتصادی و مدنی
تاجیکستان بود.

از روز تشکیل یافتن جمهوریت تاجیکستان حکومت رنجبران
تاجیک در باره درست کردن راه با با کمال جدیت کوشش کرد
و تمام مردم ب حکومت خود همراهی کردند. در نتیجه مساعی پنج ساله رنجبران
تاجیکستان و مدد دیگر جمهوریت های شورایی این مملکت راه و نقلیات

خیلی اصلاح کرد. و موفقیت های بزرگ را صاحب گردید. راه آهن
در مرکز در پای تخت جمهوریت تاجیکستان رسید. از آنجا راه آهن
را به سمت جنوبی میکشند، ساختن راه دوم میکند. در بسیار جایها
تاجیکستان خط راه آفتاب میل کشیده شد. آن خط ها با راه آهن
پیوست. در تاجیکستان نقلیات هوایی تأسیس یافت با خط منظم
هوایی بواسطه آیر بیلان با هواپیماها تاجیکستان با تمام جهان علاقه
گروید. در بین مرکز دولایت های تاجیکستان نیز خط راه هوایی تأسیس
یافت. کشتی رانی دریای اموی خیزی ترقی یافت.
امروز راه آهن، آیر بیلان ها، کشتی های بخاری دریای، آفتاب میل
و طیفه نقلیات را در تاجیکستان ادا میکند، این همه وسایط مدنی
در راه ترقی و بخیران تاجیک خدمت میکنند.

در تاجیکستان اسباب مخابراته پوچته - تیلگراف، رادیا نیز تأسیس
گردید؛ و خیلی بازودی تعمیم یافت، نه تنها شهرها بلکه دهره های بزرگ
تاجیکستان هم امروز دارای شعبه های پوچته و تیلگراف است. در بسیار
جایهای تاجیکستان رادیا (بی سیم) کار میکند.

اولین راه آهنی که برای بهبودی زندگانی صنف رنجبر در شرق
ساخته شده است.

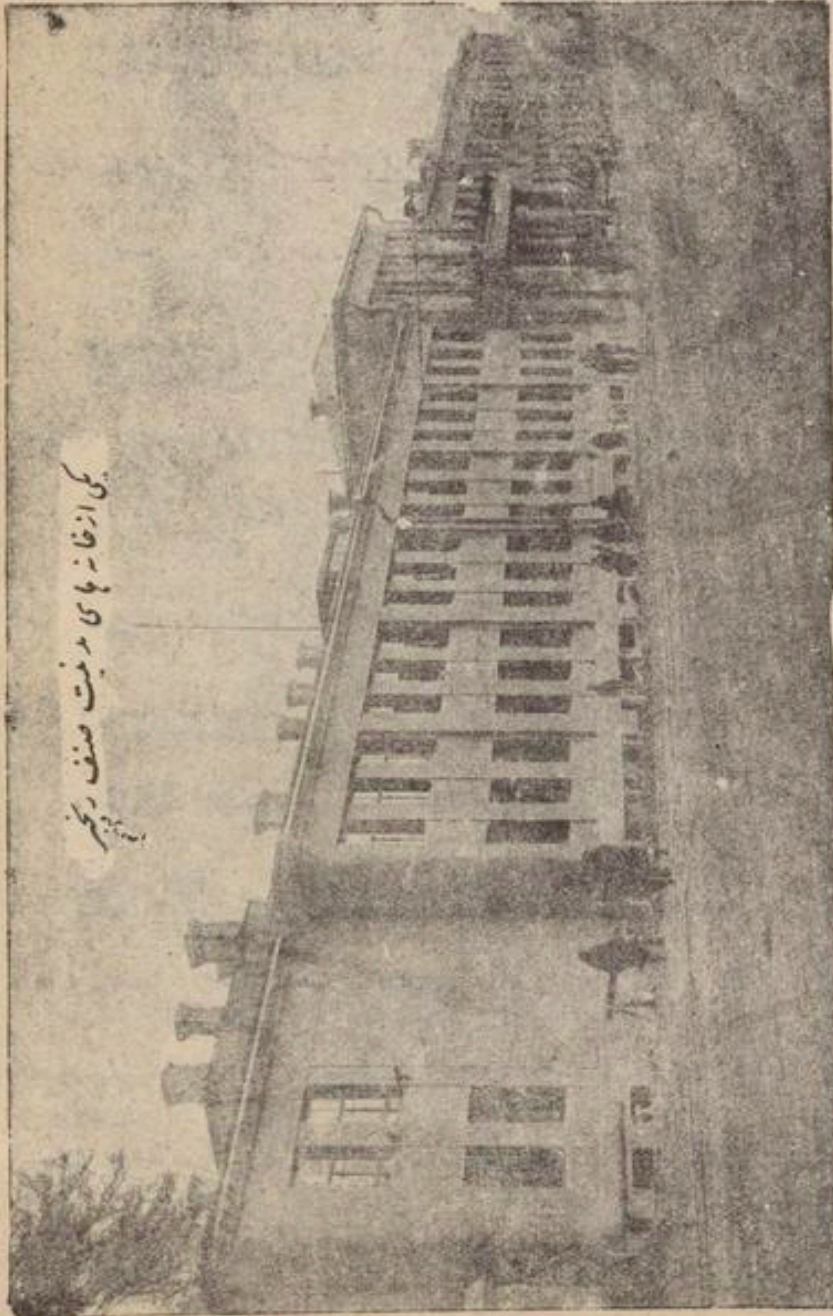


رسیدن راه آهن به پایتخت تاجیکستان و استقبال نمودن رنجبران
تاجیک اولین ماشینی را که به پایتخت ایشان رسیده است.

درست شدن راه با آسانی نقلیات ارزانی گرایه بردن و آوردن
 مالها در زندگانی تاجیکستان اثر بزرگ کرد؛ امکان بخشید که رنجبران
 تاجیکستان در تأسیس نمودن صناعت مملکت خود اقدام نمایند؛ در
 مدت کوتاه کارخانه های: پنبه تازه کینی، روغن کشی، صابون سازی
 استانسهای چراغ برق که ساخته شده است از میت عددی شتر است.
 امسال در تأسیس فابریک با فنده گی بزرگ، کارخانه ابریشم، و بنای
 استانس الیکتریک آبی که قوت شش هزار اسب را دارا خواهد شد.
 اقدام نمودند. صناعت تاجیکستان هم مثل کارهای زراعت اش
 بایک زودی حیرت افزا ترقی میکند. برای اداره کردن راه های آهن
 آیریلان ها، فابریک ها از فرزندان رنجبران تاجیک، میخانیک ها
 تیخنیک ها، ماشینست ها، مهندس ها حاضر میشوند.
 در راه ترقی مدیت و معارف رنجبران، حکومت تاجیکستان همه
 وسیله ها را استفاده میکند، کوشش میکند که هر چه زود رنجبران را
 از تاریکی جهالت برداشته و به روشنی برآورد. این کار را یکی از وظیفه های اصلی
 خود می شمارد.

معلوم است که در زمان حاکمیت دولت‌مندان بی‌علمی و نادانی مردم
 این مملکت به رجه آنها رسیده بود. سه سال پیش از این در ^{حکومت} ^{تاجیکستان}
 تحریر نفوس سرشماری مردم را اجرا نمودند. باین مناسبت معلوم
 شد که در تمام دپه‌های تاجیکستان هفت هزار مرد و یکصد و هفتاد
 نفر زن با سواد بوده است؛ در چنین حالت پیش بردن کارهای
 معارف تا چه اندازه مشکل است پُر ظاهر است.

حکومت رنجبران تاجیک بایک غزم متین در راه پیش بردن
 کارهای معارف قدم گذاشت. هر چیزی که در دایره امکان بود همه را
 در راه معارف صرف رنجبر استفاده کرد. با مخارج بسیار از مخارج
 جمهوریت معلم با طلبید و بایک زودی فوق العاده از مردم تاجیک
 معلم‌های بسیار رسانید. قسم مهم مخارج بودجه دولت را در راه معارف
 تخصیص کرد. مخارج همه مکتب‌ها را از طرف دولت تأمین نمود. مصارف
 خوردنی و پوشیدنی طلبه‌گازا از خزینه دولت داد. مساعی حکومت
 ثمره کلی بخشید. شماره طلبه‌گانی که در مکتب جمهوریت شوران ^{تاجیکستان}
 مشغول تحصیلند، امسال به چهل هزار رسید؛



یکی از خانه های مدینت صنف دیگر

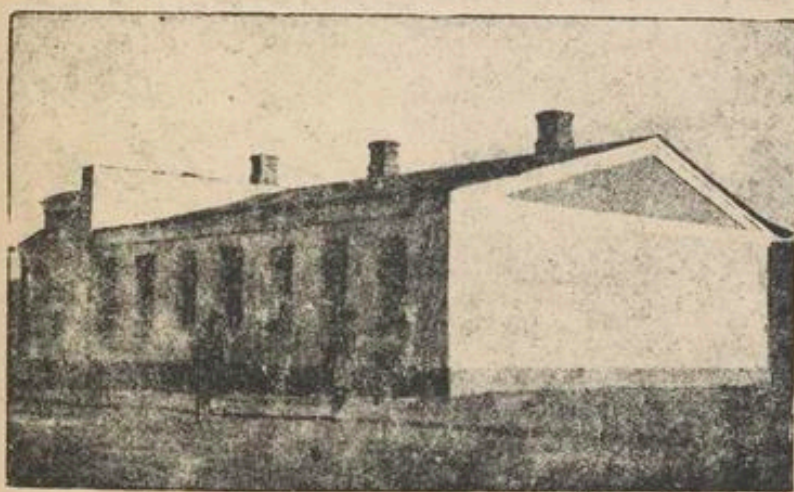
بنای دارالعلوم پنجاب، درین بنا قریب یکزار نفر زندان صنف در تحصیل علوم و فن مشغولند.

بیش از یک هزار طلبه تاجیکستان در خارج تاجیکستان در مکاتب
میان و عالی با محتاج دولت مشغول تحصیلند، در مکاتب عالی زراعت،
طب، مهندسی، حقوق و غیره شماره طلبه گان تاجیک سال از سال
میان فزاید؛ این همه طلبه گان که علم و هنر کسب مینمایند، همه از فرزندان
رنجبرانند، مکاتب و معارف تاجیکستان برای توبیر صنف رنجبر خدمت
میکند، هر کس که صاحب علم و معرفت شد درین صف رنجبر برای صنف
رنجبر کار میکند.

رنجبران تاجیک در تأسیس کارهای مطبوعات، تألیف و ترجمه نیز
اقدامات بزرگ کردند؛ بنام «اداره نشریات دولتی تاجیک» مؤسسه
تأسیس نمودند، از طرف این اداره مطبوعات مایمکل بوجود آمد؛
قابل ترین مؤلف و مترجم با از هر طرف طلبیدند، در نتیجه علمی
این مؤسسه کتاب های بسیار بزبان فارسی-تاجیکی تألیف، ترجمه
و نشر گردید. در هر یک از شعبه های علوم، هندسه، جبر طبیعی
طب، جغرافیا، تاریخ زبان و غیره کتاب های فارسی بوجود آمد،
سال از سال دائره تألیف ترجمه و نشریات فارسی تاجیکستان وسعت می یابد.

نزدیک است آن روزی که در راه پیش بردن مدنیت و معارف رنجبران
پارسی گوی عالم، تاجیکستان رهبری کند؛ از مدنیت رنجبران تاجیک
مانیز مستفید و بهره در گردیم.

حکومت رنجبران تاجیک تعلیم و تربیه فرزندان و دهقانان رنجبران از مهم ترین وظایفهای
خود می شمارد.



نمونه یکی از مکتب های که در دهه های دور دست تاجیکستان ساخته اند.

کار محلی فطرت اندرستی پیش از تشکیل جمهوریت تاجیکستان تمام متروک
بود، حکومت امیر در این باره هیچ یک اقدامی ننمیکرد و در نتیجه کوشش

بهنجبران تاجیک امروز همه شهرها و دهه‌های بزرگ تاجیکستان
 دارای شفاخانه‌ها و دواخانه‌ها است؛ آخرین تجربه‌های طبیبی
 و جراحی عصر حاضر در شفاخانه‌های تاجیکستان بعمل گشته‌اند.
 معالجه و تدوئی همه بیماران در تجربه از طرف دولت رایگان کرده‌شود.
 شماره بیماری‌های گذرنده، بیماری کودکان سال از سال کم میشود.
 حکومت شورایی تاجیکستان در ضم حل نمودن مسأله‌های
 اقتصادی و مدنی در تسوئ مسائل ملی و اجتماعی نیز اهمیت بزرگ داد.
 مبارزه و محاصرت بین ملت‌ها را با باشتی و برادری ملی مبدل ساخت.
 پنج یک مردم تاجیکستان غیر تاجیک اند، بملت‌های اوزبک
 تورکمان، قرغیز و غیره منصوبند، رنجبران این همه ملتها در اداره مملکت
 برابر همراهی میکنند، در راه برداشتن احوال اقتصادی و مدنی جهود
 برابر دارند تاجیک خود برابر کوشش میکنند. از همه موفقیت‌های مملکت
 برابر استفاده میکنند؛ جدائی دین و ملت به اتحاد صنفی باشندگان
 تاجیکستان پنج تاثیر و تفاوتی نمیکند، حتی رنجبرانی که از مملکت‌های غیر
 شورائی به جمهوریت تاجیکستان آمده اند و می‌آیند، آنها را نیز شریک

دولت می‌شمارند، آنها نیز در انتخاب حکومت تاجیکستان اشتراک
 میکنند، از رنجبران ایران، افغانستان و هندوستان بسیار کن
 هستند که عضو حکومت تاجیکستان اند؛ در اداره کردن جمهوریت با برادر
 تاجیک خود همراهی میکنند، قسمی از آنها در کارهای زراعت و صنعت
 مشغولند، قسمی در مکاتب شورایی تحصیل علم میکنند، تاجیکستان را
 وطن صنفی خود میدانند، با کمال آزادی و خوشنودی زندگانی میکنند.
 در نتیجه تدبیر و سیاست حکومت تاجیکستان در بین همه ملت ها
 یک دوستی و برادری صمیمی قایم گردید.

در مسئله تربیت و حقوق زنان موفقیت های تاجیکستان نیز بسیار
 در زمان گذشته زن ها را مثل مال میخریدند، میفروختند، زن از همه
 حقوق انسانی محروم بود، زن را تنها آلت عیش و عشرت میدانستند.
 حکومت شورایی تاجیکستان بخلاف این عادت و این عقیده
 مبارزه سخت کرد، در تمام مسائل اقتصادی، مدنی و سیاسی زن را
 یک عضو کامل الحقوق مملکت شناخت؛ در انتخابات شورایی و اداره
 مملکت زن های رنجبران تاجیکستان با مرد ها برابر همراهی میکنند.

در بای مکاتب و مدارس تاجیکستان برای زنهای تمام کشته شده
از زنهای رنجبر تاجیک معلمه با محرمه ها و راهبران اداره مملکت رسیده است
در تاجیکستان قبل از رسیدن به سن معین نکاح کردن ، بی رضای
دختر او را بشوهر دادن ، در بالای یک زن دیگر گرفتن ممنوع است
در جمهوریت تاجیکستان زن یک عضو آزاد و صاحب حقوق جمهوریت است
شرح کامیابی های تاجیکستان را با این قدر اختصار میکنیم
خوانندگان گرام آنها گئی که احوال گذشته تاجیکستان را میداند
خواننده گفت : معلوم است که تاجیکستان یک مملکتی بود پس مانده ،
مردش فقیر و ناتوان ، در نتیجه غارت و تاراج با سینه چپها - طرفداران
اصول حاکمیت امیر باز خراب تر و مردش فقیر تر گردید ؛ دخل این مملکت
بخشش البته کفایت نمیکند ، این همه کامیابی های بزرگ که بدون
مخارج میلیون ها میسر نمیشود ، برای تاجیکستان فقیر چگونه میسر گردید ؟
این سؤال طبیعی است .

معلوم است که تاجیکستان جمهوریت اجتماعی شورائی است ، بواسطه
از یکستان در - اتفاق جمهوریهای شورائی - دخل گردیده است - و جز

اتفاق جمهوری های شورایی میباشد . « اتفاق » جمهوری های شورایی
 به جمهوری تاجیکستان هرگونه معاونت مادی و معنوی را مبذول داشت .
 در مدت پنج سال گذشته از خزینۀ مشترک « اتفاق » مبلغ پنجاه میلیون
 روبل به تاجیکستان معاونت نمود . معاونت « اتفاق » در بارۀ تاجیکستان
 سال از سال میافزاید . چنانچه برای مصارف سال جاری سال ششم
 زندگانی جمهوری تاجیکستان چهل میلیون روبل معاونت میکنند ، غیر
 از این مصارف ساختن راه آهن و تامین مخارج عسکر نیز از خزینۀ مشترک
 « اتفاق » پرداخته میشود . در نظر خواننده باز یک مسئلۀ پوشیده
 میماند ، خواهد پرسید :

به نجران تاجیک که از مدنیّت دور بودند ، پس مانده بودند ، این
 همه مبارزه های صنفی را چگونه اداره نمودند ، غالب آمدند و در جمهوری
 خود چنین یک اصول اداره مدنی و صنفی را برپا نمودند ، و این همه ^{فقیه} مروت
 با را بدست آوردند ؟

اگر خواننده دقت کرده باشد در صحیفه های گذشته ما نشان دادیم که
 در مورد انقلاب ادکتا بر راهبر صنف رنجبر فرقه بالشویک کامونیست بود

انقلاب و کتاب را با راهبری این فرقه بوجود آمد و حاکمیت شورائی رنجبران
 با راهبری بالشویک ها تشکیل یافت. سی سال است این فرقه در راه
 آزادی رنجبران و ملت های مظلوم کار میکند، در هر جا که صنف رنجبر بیدار
 و هوشیار میشود و در بین آنها گروه انقلابی پیدا میگردد، آن گروه انقلابی
 رنجبران فرقه بالشویک را مأمونستی را بوجود میآورد.

از رنجبران فعال و انقلابی جمهوریت تاجیکستان بسیار کسان هستند
 که در فرقه بالشویک کاممونیست داخل گردیده اند. تشکیلات این فرقه
 عالم شمول در همه جای تاجیکستان موجود است. با راهبری این فرقه این
 تشکیلات، رنجبران تاجیک در راه انقلاب مبارزه کردند نصرت یافتند
 حاکمیت صنفی خود را برپا نمودند. امروز بدرجه رسیده اند که جمهوریت
 تاجیکستان یکی از جمهوریت های مستقل به اتفاق میشود، انجمن سوم
 شورا های تاجیکستان قرار گذاشت که تاجیکستان از جزء جمهوریت
 اوزبکستان بپراید، به واسطه در اتفاق جمهوریت های شورایی داخل گردد.
 بنابراین بعد از این موقع تاجیکستان بزرگتر و همیشگیتر خواهد شد
 تاجیکستان در سلسله جمهوریت های مستقل شورایی یک عامل بزرگ

مافی و انقلابی خواهد گردید .

x x

کامیابی مافی که تاجیکستان را میسر گردیده است ، جزئی است از کامیابی
مافی که تمام ملت های مقیم جمهوری های شورائی را نصیب گردیده است .
اوزبک ها ، تورکمان ها ، قرغز ها ، قزاق ها و دیگر ملت های که در
خاک شورایی زندگی میکنند ، هر یک جمهوریت مستقل و مختاری را مالک اند
هر یک در راه اقتصاد مدنیّت موفقیت های بزرگ بدست آورده اند .
هر گاه سرگذشت این ملت ها را ملاحظه کنیم و با سرگذشت مردم هندوستان
ایران و افغانستان اندازه کنیم یک مشابهت و یک رنگی بسیار نزدیکی را
مشاهده خواهیم کرد . چه شد که باشندگان جمهوریت های شورایی در راه
آزادی و استقلال چنین کامیاب گردیدند ، مردم هند ، ایران و افغانستان
از این کامیابی ها محروم اند ؟ آیا استعداد و قابلیت فطری
مردم هند ، ایران و افغانستان ناقص است ؟

ما هیچ گاه چنین گمان نمیکنیم ؛ عقیده کامل داریم که اگر شرایط موافق
فرهم آید ، باشندگان هندوستان ، ایران ، افغانستان هم با یک

زودی حیرت بخش ترقی خواهند کرد. اما تأثیر و نفوذ خارجی امکان
 نیابد که شعرا بطی که برای سعادت این مردم لازم است فراهم آید.
 و منج ترگوئیم: آزادی و استقلال مردم مستملکه با و نیم مستملکه با بحث
 پریشانی دولت های سرمایه داران است؛ آزادی و استقلال مردم هندوستان
 ایران و افغانستان خرابی و پریشانی دولت سرمایه داران انگلیس را
 سبب خواهد شد؛ چونکه شوکت و حشمت دولت سرمایه داران انگلیس را
 مردم رنجبر و کارگر هند، مصر، ایران و افغانستان تأمین میکنند، هندوستان
 پس مانده و فقیر خزینة بریطانیای عظمی را پر میکند، و بهمان مصر دهند
 نیم گر سنده نیم برهنه زندگانی میکنند، از رنج و سعی آنها دارائی دولتند
 بریطانیای میافزاید.

از این است که سرمایه داران انگلیس میگویند: مردم هند هنوز بد جز
 نرسیده اند که خود را خود اداره کنند؛ از این است که سرمایه داران
 انگلیس دشمن استقلال مردم مصر، ایران و افغانستان اند.
 یکی از مثالهای نزدیک سرگذشت یکساله افغانستان
 وطن من یکدوره مهم تاریخی زندگانی خود را میگذراند:

۱- در افغانستان زندگانی کهنه با زندگانی نومبارزه میکند ،
 ترقی کارهای معارف ، انکشاف تجارت ، تأسیس صناعت ، مرکزیت اداره
 مملکت ، خواشش تجد و خواهان افغانستان خواشش زندگانی نو است ،
 کهنه پرستان این همه را نمیخواهند ، مقابلهت میکنند .

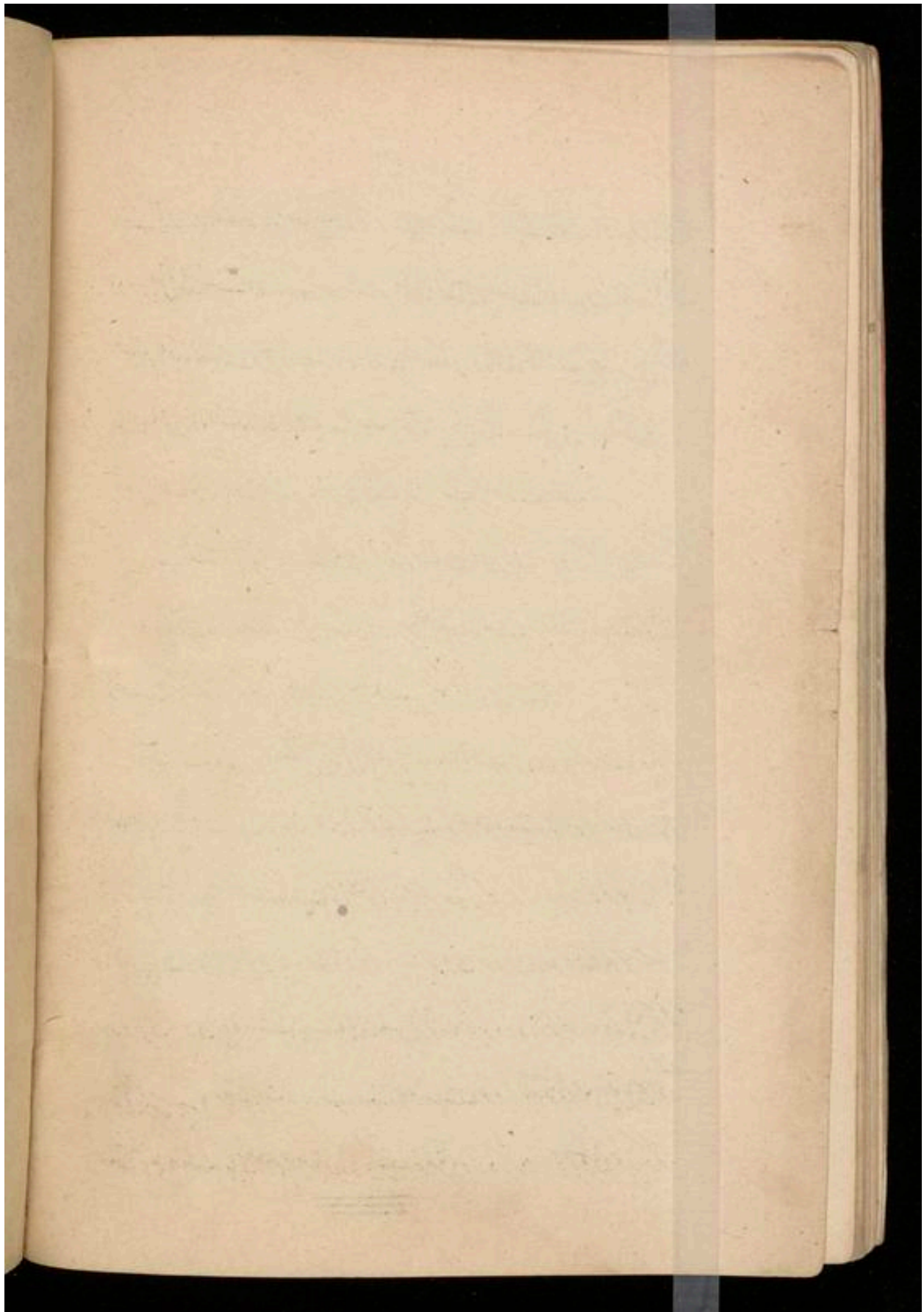
۲- در افغانستان ملتهای گوناگون افغان ، تاجیک ، هزاره ، اوزبک ،
 تورکمان زندگانی میکنند ، خیریت مردم افغانستان اقتضا میکند که در بین این
 ملت ها یک برادری و برابری قائم باشد ، در کار اداره مملکت همه برابر شریک
 باشند ، یک ملت حاکم دیگر محکوم نباشد ، یکی به دیگری ظلم نکند .
 ۳- اکثریت مردم افغانستان دهمقانند ، سعادت افغانستان اقتضا میکند
 زندگانی مردم دهمقان بهتر و خوشتر شود ، خراج و مالیات دهمقانی سبک شود ،
 به مردم دهمقان خصوصاً به قسم فقیر و محتاج آن هرگونه معاونت و یاری داده شود ،
 تمام کارهای مملکت چنین اداره و اجرا کرده شود که عامه مردم دهمقان راضی باشند .
 بدستی حل کردن و فیصل یافتن این مسئله ها نیک بخشی و سعادت مردم افغانستان
 را تأمین میکند ، استقلال افغانستان را قوی میگرداند .

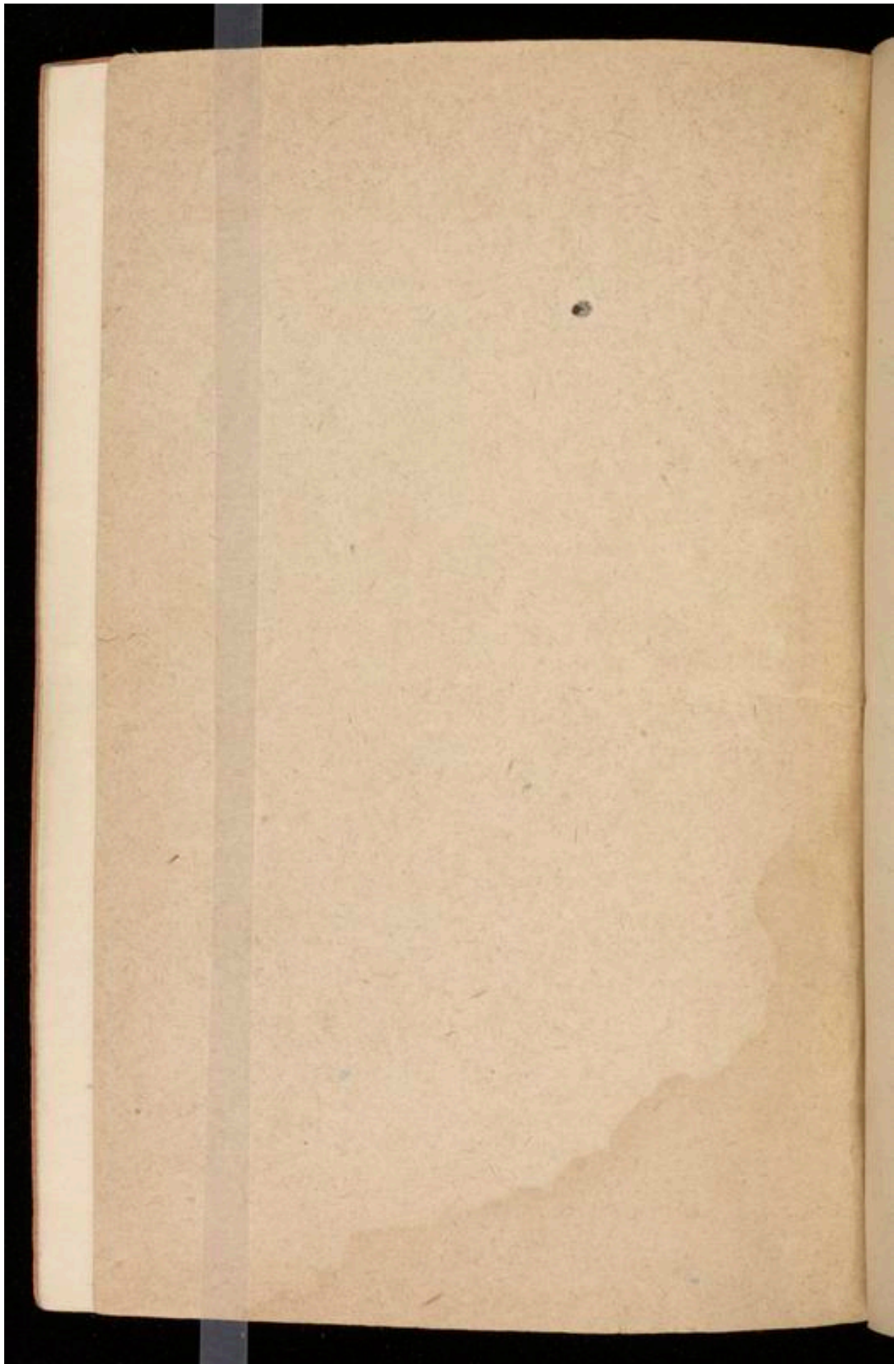
دولت انگلیس دشمن استقلال افغانستان است ، بنابراین کوشش

میکند که این سکه با مغلق پیچیده و ناتمام ماند، تا آنکه ماده و سبب بناچار
در داخل افغانستان برده شود، افغانستان ضعیف ناتوان باشد استقلال
حقیقی افغانستان بوجود نیاید؛ از این است که دولت انگلیس خوزیزی جنگ
های داخلی افغانستان را طالب است، گاه به یکی، گاه به دیگری مدد میکند،
آتش فساد را بلند میکند، آخر هر یک را فریب میدهد.

سرگذشت تاریخی عربستان، هندوستان، تورکیه، ایران و افغانستان
را با نگر دقت ملاحظه کنید، می بینید که در هر موقعیکه فداکت و پریشانی به این مملکت
رسیده است، دست و دسیسه انگلیس کار کرده است.

انقلاب اوکتاب و تشکیل یافتن جمهوریت های شورائی در سیاست دنیا یک
انقلاب بزرگ انداخته است؛ فرقه بالشویک - کامونیست و جمهوریت های شورائی
در راه آزادی و استقلال ملت های مظلوم تأثیر بزرگی دارند، هر روز که میگذرد عقده
و کج بینی ملت های مظلوم با اتفاق جمهوریت های شورائی و فرقه کامونیست
میان افزایش می یابد، در هر جاست کیلات های انقلابی قوت میگیرد، و روز نجات ملت های مظلوم
نزدیکتر میشود، شب نیست که سرگذشت تاجیکستان وجود اتفاق جمهوریت های شورائی
صنف با دولت های مظلوم جهان را به یک زندگانی نو و آزاد رهنمائی خواهد کرد.





Orient Verlag (G. m. b. H.)
Berlin S. 14
Alexandrinenstr. 62

Orient

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library